



طرح قرآن برای پیروزی

نوسندگان

سید محمد امین موسوی

محمد حسین حیاتی

طاهره حیاتی



بسم الله الرحمن الرحيم



# قطعا سنننننننن

طرح قرآن برای پیروزی

نویسندگان:

سید محمد امین موسوی

محمد حسین حیاتی

طاهره حیاتی

انتشارات رویش قلم

سرشناسه  
عنوان و نام پدیدآور  
مشخصات نشر  
مشخصات ظاهری  
شابک  
وضعیت فهرست نویسی  
موضوع  
موضوع  
موضوع  
موضوع  
رده بندی کنگره  
رده بندی دیوبی  
شماره کتابشناسی ملی

## قطعا سمنتصر، طرح قرآن برای پیروزی

عنوان: قطعا سمنتصر، طرح قرآن برای پیروزی

نویسندگان: سید محمد امین موسوی، محمد حسین حیاتی، طاهره حیاتی

طراحی جلد: موسسه رویش اندیشه و معرفت

ناشر: انتشارات رویش قلم

مدیر تولید: محمد حسین حیاتی

شابک:

شمارگان:

شناسه:

نوبت چاپ:

کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به نویسندگان می باشد. چاپ و انتشار این کتاب با ذکر کامل مشخصات اثر، نام نویسندگان و ناشر، برای همگان بلامانع است.

## تقدیم به

روح پرفروش مجاهد نستوه، رزمنده خستگی ناپذیر میدان‌های حق و حقیقت، سیدالشهدای مقاومت اسلامی، حضرت سید حسن نصرالله (رضوان‌الله تعالی علیه) که عمر شریف خویش را وقف عزت امت اسلامی، آزادی قدس شریف، و مبارزه بی‌امان با ظلم و استکبار جهانی نمود و با مجاهدت‌های بی‌بدیش، چراغ امید را در دل آزادگان جهان برافروخت. و تقدیم به ارواح طیبه تمامی شهدای سرافراز راه مقاومت، از ابتدای بشریت تا کنون، آنان که با خون پاک خویش درخت تناور دین را آبیاری کردند و با شهادتشان، مسیر هدایت و ایستادگی در برابر باطل را روشن ساختند؛ و به ویژه، به خون‌های پاک و مطهر شهدای قهرمان حمله ددمنشانه رژیم صهیونیستی به ایران در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ (۲۴ ذیحجه ۱۴۴۵ هجری قمری) که با ایثار جان خویش، بار دیگر سند مظلومیت و حقانیت این ملت را امضا کردند و در اوج عزت و اقتدار، به لقاءالله پیوستند.

این اثر ناچیز، قطره‌ای است در برابر دریای بی‌کران جهاد و ایثار شما بزرگواران، تقدیم به آستان قدسی‌تان، باشد که مرهمی کوچک بر زخم‌های امت اسلامی و انگیزه‌ای برای ادامه راه پر افتخار مقاومت باشد.

«وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (انفال: ۱۰)

## فهرست

|    |                                                                |
|----|----------------------------------------------------------------|
| ۱۱ | مقدمه                                                          |
| ۲۱ | چرا باید بجنگیم؟                                               |
| ۲۲ | ۱. اهداف دشمن                                                  |
| ۲۲ | الف) ارتداد مسلمانان                                           |
| ۲۴ | ب) ایجاد مشقت‌های شدید برای مسلمانان                           |
| ۲۶ | ج) سرسپرده کردن مسلمانان به ایشان                              |
| ۲۷ | ۲. رفتار دشمن پس از تسلط                                       |
| ۲۷ | الف) ایجاد فساد و نسل‌کشی و از بین بردن زیرساخت‌ها             |
| ۲۹ | ب) از بین بردن مظاهر دینی                                      |
| ۳۳ | آیا جنگیدن اجر دارد؟                                           |
| ۳۳ | ثواب مجاهدت و جایگاه مجاهدین                                   |
| ۴۱ | چرا باید به پیروزی امیدوار باشیم؟                              |
| ۴۱ | ۱. وعده‌ها و سنت‌های الهی در رابطه با نصرت مؤمنین و تحقق آن‌ها |
| ۴۲ | الف) کلیت سنت نصرت الهی و وعده به آن                           |



|    |                                                                  |
|----|------------------------------------------------------------------|
| ۴۷ | (ب) سنت از بین بردن کید دشمنان                                   |
| ۵۰ | (ج) سنت غلبه دادن امکانات و نیروی اندک بر امکانات و نیروی فراوان |
| ۵۲ | (د) سنت امدادهای غیبی                                            |
| ۵۸ | ۲. نقاط ضعف دشمن                                                 |
| ۵۹ | الف) آسیب‌پذیری دشمن                                             |
| ۶۰ | (ب) ضعف روحیه و ترس به جهت حب حیات                               |
| ۶۲ | (ج) اختلاف داخلی                                                 |
| ۶۳ | (د) عدم پشتیبانی الهی و سرپرستی او                               |
| ۶۵ | ه) اختلال محاسباتی                                               |

## ۷۱ جهاد همه جانبه، تنها راه پیروزی ---

|    |                                     |
|----|-------------------------------------|
| ۷۱ | ۱. شرط نصرت الهی                    |
| ۷۲ | ۲. نصرت الهی، تضمین عدم شکست        |
| ۷۲ | ۳. جهاد تمام‌عیار، نشانه اطاعت کامل |

## ۷۷ مصادیق جهاد همه‌جانبه و تأثیر آن در پیروزی ---

|    |                                             |
|----|---------------------------------------------|
| ۷۷ | ۱. جهاد قلبی                                |
| ۷۷ | الف) ایمان                                  |
| ۷۸ | (ب) یاد خدا و ثابت قدم بودن                 |
| ۷۹ | (ج) تقوا و صبر در برابر مصائب جنگ و استقامت |
| ۸۰ | (د) اعتماد به وعده‌های الهی                 |
| ۸۲ | ه) توکل                                     |
| ۸۳ | و) اعتقاد به کفایت خدا و مؤمنین برای پیروزی |

ز) سست نشدن و تسلیم نشدن در مقابل تحمیل دشمن (چه جنگ باشد چه صلح)

۸۵

۸۷ ح) نترسیدن از دشمنان داخلی و خارجی

۸۹ ط) مغرور نشدن به امکانات

۹۰ ۲. جهاد عملی

۹۰ الف) انجام هر کاری که موجب عصبانیت دشمن بشود

۹۲ ب) ایجاد و حفظ آمادگی همه جانبه

۹۴ ج) ترساندن دشمن

۹۵ د) حفظ اتحاد

۹۷ ه) تعاون و همکاری (در مسئولیت‌هایی که به تناسب جنگ ایجاد می‌شود)

۹۷ و) جهاد مالی

۹۸ ز) محبت به یکدیگر

۱۰۱ ح) حفاظت از اسرار و اطلاعات

۱۰۲ ط) تواضع به حق، صبر و مهربانی

۱۰۴ ی) دعا، تضرع و توسل

۱۰۴ ک) مقابله با جنگ نرم

۱۰۵ ۱. ابزارهای سیاسی

۱۱۳ ۲. ابزارهای اجتماعی

۱۲۷ ل) قتال و جنگ نظامی

## مقدمه

خرداد ۱۴۰۴ هجری شمسی، همراه شد با تحولات شتابان و پیچیده جهانی؛ جنگ تحمیلی ایران با اسرائیل، محاسبات خیلی‌ها در پیش‌برد شرایط اجتماعی و فرهنگی جهان را تغییر داد. تقارن شروع این جنگ با بزرگ‌ترین واقعه تاریخی جهان اسلام یعنی عید الله الأكبر، عید بزرگ غدیر خم که نظام بر پایه ولایت را به عنوان تنها نظام اجتماعی کارآمد و مانا به جهان معرفی نموده است؛ و از سوی دیگر، ادامه و اتصال این جنگ تحمیلی به وحشیانه‌ترین و غمبارترین ظلم و جنایت در تاریخ بشریت و تاریخ اسلام یعنی واقعه جانسوز کربلا، پیام‌های بسیار دارد برای آنان که اهل فکر و اندیشه هستند: فاعتبروا یا أولى الألباب (حشر، آیه ۲)

امروز بیش از هر زمان دیگری ندای استکبارستیزی، مقاومت و حق‌طلبی در جهان پیچیده و مورد توجه هر انسان عدالت‌خواه قرار گرفته است. صدای «نه به ظالم و دفاع از حقوق مشروع ملت ایران» در گوشه و کنار جهان از زبان بسیاری شنیده می‌شود. چه بسیار مظلومانی که از قد علم کردن جبهه مقاومت ایران در برابر جبهه استکبار و ظلم اسرائیل و امریکا، شادمانند چرا که

خود توان کافی برای رویارویی نداشته‌اند. چه بسیار از کسانی که با جان، مال و حتی دانش و توانمندی مهارتی خود در کنار جبهه مقاومت ایران ایستاده و یاری رسان آن برای دفع ظلم و ظالم هستند. در این میان، همیشه حوزه‌های علمیه پیشتاز در جهاد و مقاومت و ظلم‌ستیزی بوده‌اند، همانگونه که مقام معظم رهبری (حفظه الله) در پیام خود به صدسالگی حوزه علمیه می‌فرمایند: «همین حوزه بود که در کمتر از شش دهه، قدرت معنوی و وجهه مردمی خود را به آنجا رساند که توانست رژیم خائن و فاسد و فاسق پادشاهی را به دست مردم ریشه‌کن کند و پس از قرن‌ها، اسلام را در جایگاه حاکمیت سیاسی کشور بزرگ و بافرهنگ و دارای همه‌گونه استعداد بنشانند.»

اینک، با نزدیک شدن ایام تبلیغی محرم الحرام و گسترش حضور فعال طلاب حوزه‌های علمیه در میان مردم و در کانون‌های متنوع اجتماعی و فرهنگی، فارغ از آنکه جنگ تحمیلی با اسرائیل به پایان برسد یا ادامه یابد، ضروری است محتوای تبلیغی طلاب محترم، آمیخته با این حادثه بزرگ تاریخی در گوش جان مردم نشانده شود. تبیین صحیح، عمیق و همه‌جانبه از مفهوم بنیادین «جهاد فی سبیل الله» به عنوان یکی از اصول دین مبین اسلام، اهمیتی مضاعف و تعیین‌کننده دارد. جهاد، صرفاً یک کنش محدود به فعالیت‌های نظامی و جنگ سخت نیست؛ بلکه یک تفکر پویا، یک شیوه زندگی مبتنی بر اندیشه اسلامی، و یک مسیر جامع برای صیانت از ارزش‌های متعالی الهی، حفظ کرامت و عزت انسانی، و تثبیت اقتدار و استقلال جامعه اسلامی در برابر هرگونه تعدی، ظلم و سلطه‌گری است. اهمیت بی‌بدیل این بحث از آن روست که جهاد، نه تنها یک تکلیف شرعی الهی و اجتناب‌ناپذیر در ابعاد مختلف جنگ سخت و جنگ نرم است، بلکه روشی بی‌همتا در رهایی ملت‌ها از یوغ استبداد، استعمار و استکبار جهانی محسوب می‌شود و تضمین‌کننده بقای حقیقت و برپایی عدالت اجتماعی است. بی‌تردید،

هرگونه کج فهمی، تحلیل نادرست، یا نادیده انگاشتن ابعاد گسترده و متنوع جهاد، می تواند امت اسلامی را در معرض آسیب های جبران ناپذیری قرار داده و از مسیر عزت و اقتدار دور سازد. مقام معظم رهبری در تبیین جهاد می فرمایند: «جهاد هم فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ زیرا هرگونه تلاش در مقابله با دشمن، می تواند جهاد تلقی شود.» (بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله)، ۱۳۷۵/۳/۲۰)

اتصال حادثه جنگ امروز با حادثه عاشورا، محتوای نابی برای انتقال مفهوم جهاد و تبیین ابعاد مختلف جهاد تولید می کند که ضروری است، مبلغان این فرصت را غنیمت شمارند. هرچند موضوعات زیادی را می توان در این رابطه مطرح کرد، اما در این نوشته سعی شده به جای موضوعات پراکنده، یک خط محتوایی ذیل مفهوم «جهاد فی سبیل الله» همراه با ارائه راهکارهای فردی و اجتماعی آن، تقدیم طلاب مبلغ گردد تا در ایام تبلیغی به ویژه دهه اول ماه محرم در خطابه خوانی تا سایر فعالیت های تبلیغی، مورد استفاده قرار گیرد.

نکته مهم و اساسی در این نوشته، تمرکز بر ترسیم تصویری واقعی، تاریخی و الهام بخش از فضای جنگ های صدر اسلام در دوران پر افتخار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است؛ جنگ هایی که با وجود سختی ها و مشقت های فراوان، به خاطر ایمان و استقامت مسلمانان، در نهایت به نصرت های ظاهری و پیروزی های آشکار جبهه حق منتهی شد. این رویکرد، تفاوت اساسی و راهبردی با تمرکز صرف بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در قالب واقعه جوادانه و جانسوز کربلا دارد. اگرچه تبیین این بعد از فرهنگ عاشورایی، فداکاری بی بدیل سیدالشهدا (علیه السلام) و درس های بی نظیر کربلا در جای خود از ارزشمندترین و ضروری ترین مباحث دینی و تربیتی است، اما در مقطع کنونی، اولویت اصلی، ایجاد و تقویت روحیه جهاد

همه‌جانبه، عدالت‌خواهی اجتماعی و امیدآفرینی و اطمینان عمومی به پیروزی و غلبه بر دشمن در نبردهای کنونی، و همچنین، آماده‌سازی روانی و فکری جامعه برای مواجهه با تمام چالش‌های پیش‌رو تا دستیابی به اهداف راهبردی است. تبیین نقاط ضعف ذاتی دشمن، بازخوانی سنت‌های تخلف‌ناپذیر الهی در نصرت مؤمنان و ارائه الگوهای موفق جهاد از دل قرآن و تاریخ اسلام، به مردم این اطمینان قلبی را می‌دهد که با توکل خالصانه بر خدا و اقدام مجاهدانه، پیروزی نزدیک است و نباید از مواجهه با باطل و استکبار در هر سطح و اندازه‌ای که باشد، هراسید و دلسرد شد. این مجموعه، نه تنها یک راهنمای فکری، بلکه ابزاری قدرتمند برای تحقق این مهم است؛ تا راه جهاد همه‌جانبه، گام به گام هموارتر شده و انگیزه نبرد با دشمنان دین و امت، در تک تک قلوب راسخ‌تر گردد تا آنجا که تمام مسلمانان با بصیرت کامل و امیدواری حقیقی، به سوی آینده‌ای روشن، عزت‌آفرین و عدالت‌محور حرکت نمایند تا تحقق ظهور صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

نوشته حاضر در جهت پاسخ به نیازهای مبرم جامعه اسلامی در زمان کنونی و در مواجهه با چالش‌های پیش‌رو در جنگ روانی دشمن، قصد دارد با محوریت آیات قرآن کریم و تمسک به سیره عملی معصومین (علیهم السلام) یک خط محتوایی ذیل مفهوم «جهاد فی سبیل الله» با سرفصل‌های دقیق ارائه نماید. این نوشته علاوه بر پاسخ به نیازهای جامعه، با اهداف راهبردی و اولویت‌دار زیر تدوین و تنظیم شده است:

## ۱. برطرف کردن فضای یأس، ترس و اضطراب ناشی از مواجهه با

**جنگ:** یکی از بزرگترین حربه‌های دشمن در جنگ نرم، ایجاد هراس از جنگ و تبعات زیانبار آن در دل مردم است؛ از جمله القای حس ناامنی، ترس از مرگ، بیم از دست دادن اموال و جان عزیزان.

متأسفانه، این تصور مبهم و هولناک از جنگ و پیشامدهای آن، علاوه بر ایجاد رعب و وحشت، سبب می‌شود مردم دچار تردید، سستی و عدم تمایل به ایفای نقش در مسیر جهاد شوند. هدف این نوشتار، مقابله با این القائنات شیطانی با تمسک به بایدهای اساسی است که بیان خواهد شد.

۲. **ایجاد باور و اطمینان عمومی به پیروزی و نصرت الهی:** نوشته حاضر با اتکا به آیات نورانی، محکم و وعده‌های صریح قرآن کریم، تلاش می‌کند تا مبلغ بتواند یقین و اطمینان به پیروزی را در دل‌های مردم زنده کند و این باور راسخ را تثبیت نماید که نصرت‌های الهی همواره پشتیبان مؤمنان و مجاهدانی است که در راه حق، استقامت کنند حتی اگر به ظاهر در اقلیت یا تحت فشار باشند.

۳. **تبیین جایگاه جهاد به عنوان کلید رهایی، عزت و سعادت:** این مجموعه به صراحت نشان می‌دهد که جهاد نه تنها مایه ترس و تهدید نیست، بلکه تنها راه رسیدن به عزت حقیقی در دنیا، رهایی از قید بندگی طاغوت‌ها، و سعادت ابدی در آخرت است. برعکس، ترک جهاد و تن دادن به سازش و ذلت، موجب آسیب‌پذیری، استیلای ظالمان، بی‌عدالتی و ناامنی اجتماعی می‌شود.

۴. **شناخت دقیق وظایف مجاهدان و اشراف بر تاکتیک‌های دشمن و راه‌های مقابله با آن‌ها:** در این بسته محتوایی، فراتر از طرح کلیات ذیل مفهوم «جهاد فی سبیل الله»، به طور ویژه به تبیین وظایف مشخص و چندوجهی مجاهدان در ابعاد مختلف جهاد همه‌جانبه (شامل جهاد فکری، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و...) پرداخته شده است. همچنین، روش‌ها و ترفندهای پیچیده و

مکرآمیز دشمن در جنگ شناختی، به دقت واکاوی گردیده است. نکته مهم‌تر آنکه، این مجموعه تلاش کرده تا راه‌های عملی، قرآنی و سنت‌محور برای مقابله مؤثر با این ترفندها را نیز تا جای ممکن تبیین کند. این بصیرت همه‌جانبه نسبت به جبهه خودی و دشمن، مؤمنان را قادر می‌سازد تا هم خود را برای ایفای نقشی مؤثر و فعال در میدان جهاد آماده کنند و هم نقشه‌های شوم و دسیسه‌های دشمن را به بهترین شکل خنثی سازند.

فارغ از محتوای نوشته حاضر، بی‌تردید، برای انتقال مفهوم والای جهاد در فضای کنونی جامعه که شرایط جنگ و التهاب است، شیوه بیان و نحوه ارائه مطالب، نقشی محوری و بی‌بدیل ایفا می‌کند. این مهم، برای مبلغان گرانقدر حوزه‌های علمیه، نیازمند رعایت بایدهای اساسی و راهبردی در ارائه این بسته محتوایی است:

#### ۱. بیان مقتدرانه، متقن و مستدل: کلام مبلغ باید از عمق ایمان و

باور قلبی او سرچشمه گیرد. این اقتدار در بیان، نه تنها به معنای رفتار شعارگونه و صدا بلند کردن نیست، بلکه به معنای استواری و عدم تزلزل در انتقال حقایق الهی است. کلامی که سرشار از یقین و برگرفته از منابع متقن اسلامی باشد، تردیدی در دل مخاطب باقی نمی‌گذارد. کلام مبلغ باید بازتاب‌دهنده ایمان، شجاعت و بصیرت او در میدان جهاد فکری و فرهنگی باشد.

#### ۲. لحن الهام‌بخش و امیدآفرین: پیام جهاد فی سبیل الله باید با

روح توکل خالصانه به خداوند و اطمینان قلبی به سنت‌ها و وعده‌های تخلف‌ناپذیر الهی در پیروزی جبهه حق بر جبهه کفر و نفاق، به عمق جان و روح مردم منتقل شود. کلام و لحن گفتار مبلغ



باید الهام‌بخش و امیدآفرین باشد و مخاطب را به ایستادگی و مقاومت در برابر دشمن و چالش‌های پیش‌رو، ترغیب کند.

نوشته حاضر، حاصل کوشش جمعی از طلاب پژوهشگر بوده که شایسته است از همه کسانی که در نگارش این مجموعه مشارکت نموده‌اند، به ویژه از موسسه رویش اندیشه و معرفت، تشکر و قدردانی نماییم. امیدواریم از رهگذر تلاش‌های پژوهشی و اندیشه‌های علمی صاحب‌نظران در این مجموعه و همچنین اساتید گرانقدر حوزه، زمینه ایفای نقش بی‌بدیل طلاب حوزه‌های علمیه در این گذر تاریخی مهم، در تبیین و تبلیغ دین و نهادینه‌سازی مفاهیم اسلامی در جامعه جهانی فراهم گردد تا حوزه‌های علمیه همچون ادوار گذشته، سرآمد و پیشرو باشند. با آرزوی پیروزی جبهه حق بر جبهه کفر و استکبار جهانی.

۱۴۰۴/۴/۱



**چرا باید بجنگیم؟**



## چرا باید بجنگیم؟

جهاد یک ضرورت قطعی برای حفظ کیان جامعه اسلامی و دفاع از ارزش‌های الهی و حتی جلوگیری از کشتار مسلمانان است. فهم و جا انداختن این ضرورت، بیش از هر چیز، نیاز به شناخت عمیق از اهداف و نیات دشمنان اسلام و رفتار دشمن پس از تسلط بر مسلمان دارد. قرآن کریم، این اهداف و رفتارها را به صراحت بیان می‌کند تا مسلمانان با درک صحیح از میدان نبرد، همواره آماده دفاع و مقابله باشند. پس عدم جهاد و تسلیم در برابر خواسته‌های دشمن، نه تنها به معنای از دست دادن عزت و استقلال است، بلکه می‌تواند به انحراف و زوال امت اسلامی و از بین رفتن دین و دیانت و حتی کشتار مسلمانان و تبعید ایشان منجر شود. در ادامه به جهت تبیین مضرات ترک جهاد در دو بخش به تفصیل به اهداف دشمن و رفتار دشمن پس از تسلط در بیان قرآن کریم می‌پردازیم.

## ۱. اهداف دشمن

در بیان شریف قرآن کریم سه هدف کلی برای دشمنان مطرح شده است که با بررسی آنها متوجه می‌شویم که در حقیقت با عدم مبارزه، راه را برای رسیدن دشمن به اهداف خود هموار کرده‌ایم.

### الف) ارتداد مسلمانان

یکی از خطرناک‌ترین اهداف دشمنان اسلام، به‌ویژه اهل کتاب که در طول تاریخ همواره مترصد ضربه زدن به اسلام بوده‌اند، بازگرداندن مسلمانان از دینشان است. این هدف، نه از روی جهل، بلکه از سر حسد و کینه‌ای عمیق سرچشمه می‌گیرد.

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِن بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتَصُوا وَأَصْغَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (بقره: ۱۰۹)

بسیاری از اهل کتاب پس از آنکه حق برای آنان روشن شد، به سبب حسدی که از وجودشان شعله کشیده، دوست دارند که شما را پس از ایمانتان به کفر بازگردانند. هم اکنون [از ستیز و جدال با آنان] درگذرید، و [از آنان] روی بگردانید، تا خدا فرمانش را [به جنگ یا جزیه] اعلام کند؛ یقیناً خدا بر هر کاری تواناست.

این آیه به وضوح نیت درونی برخی از اهل کتاب را بیان می‌کند: آن‌ها به دلیل حسادتی که دارند، آرزو دارند که مسلمانان از دین خود بازگردند و به کفر سابق خویش برگردند. این خواسته‌ی آن‌ها صرفاً یک تمایل ساده نیست، بلکه یک هدف استراتژیک برای نابودی اسلام است. اگر مسلمانان در برابر این هدف شوم، جهاد را ترک کنند، در واقع راه را برای تحقق آرزوی دشمن هموار ساخته‌اند. این آیه، گرچه در ابتدا امر به عفو و صفح می‌کند، اما این گذشت

تا زمانی است که خداوند "امر" خود را (که می‌تواند فرمان جهاد باشد) صادر کند. این نشان می‌دهد که در مراحل بعدی، مقابله جدی و جهاد، برای دفع این توطئه، اجتناب‌ناپذیر است.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكَفَرٌ بِهِ ۖ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ ۚ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ ۖ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره: ۲۱۷)

از تو درباره جنگ در ماه حرام می‌پرسند. بگو: هر جنگی در آن [گناهی] بزرگ است، ولی هر نوع بازداشتن [مردم] از راه خدا و کفرورزی به او و [بازداشتن مردم از] مسجد الحرام و بیرون راندن اهلس از آن، نزد خدا بزرگ‌تر [از جنگ در ماه حرام] است؛ و فتنه [شرک و بت‌پرستی] از کشتار بزرگ‌تر است. و مشرکان همواره با شما می‌جنگند تا شما را اگر بتوانند از دینتان برگردانند؛ و از شما کسانی که از دینشان برگردند و در حال کفر بمیرند، همه‌ی اعمال خویشان در دنیا و آخرت تباه و بی‌اثر می‌شود، و آنان اهل آتش‌اند و در آن جاودانه‌اند.

این آیه هدف نهایی دشمن را به‌صراحت بیان می‌کند: «وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا»؛ یعنی آن‌ها دست از جنگ و ستیز برنخواهند داشت تا زمانی که شما را از دینتان برگردانند، اگر توانستند. این جمله، ماهیت دائمی و استراتژیک خصومت دشمنان را نشان می‌دهد. هدف، صرفاً غلبه نظامی نیست، بلکه نابودی بنیان‌های ایمانی و فکری مسلمانان است. در اینجا است که اهمیت جهاد روشن می‌شود. اگر مسلمانان در برابر این هجمه بی‌امان دشمن مقاومت نکنند و جهاد را رها

سازند، نتیجه‌ای جز ارتداد و از دست دادن هویت دینی نخواهد داشت. آیه تأکید می‌کند که فتنه (که در اینجا به معنای شرک، بت‌پرستی، گمراهی و بازگشت از دین است) از قتل نیز بزرگ‌تر است. این بدان معناست که حفظ ایمان و جلوگیری از ارتداد، از حفظ جان نیز اولویت بالاتری دارد. اگر جامعه اسلامی در برابر فشارهای دشمن منفعل باشد، دین مردم به خطر افتاده و نتیجه آن تباهی اعمال در دنیا و آخرت و دوزخ ابدی خواهد بود.

**روایت مرتبط:** در تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن ذیل آیه ۲۱۷ سوره بقره، از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که: "هنگامی که آیه «و الفتنه اکبر من القتل» نازل شد، رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: فتنه، کفر و گمراهی است که مردم را از دین خدا خارج می‌کند. و همچنین فرمودند: آنان پیوسته با شما خواهند جنگید تا شما را از دینتان برگردانند." (بحرانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹۰) این روایت تأکید می‌کند که هدف دشمنان، صرفاً قتل و کشتار نیست، بلکه گمراه کردن مردم و خارج کردن آنان از دین خداست. این خود تأکیدی بر ضرورت جهاد برای حفظ دین و دفع فتنه است.

### ب) ایجاد مشقت‌های شدید برای مسلمانان

یکی دیگر از اهداف دشمنان اسلام ایجاد مشقت شدید برای مسلمانان است. آیات ذیل به خوبی توضیح می‌دهند که دشمنان اسلام، نه تنها خواهان ارتداد مسلمانان هستند، بلکه آرزو می‌کنند که مسلمانان همواره در سختی، مشقت و رنج باشند. آن‌ها از هرگونه پیشرفت و موفقیت مسلمانان ناراحت می‌شوند و از مشکلات و بلایایی که به مسلمانان می‌رسد، شادمان می‌گردند.



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَٰطَنَهُ مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا  
مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا  
لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (آل عمران: ۱۱۸)

ای اهل ایمان! از غیر خودتان برای خود محرم راز نگیرید؛ آنان از هیچ توطئه و  
فسادی درباره شما کوتاهی نمی کنند؛ شدت گرفتاری و رنج و زیان شما را دوست  
دارند؛ تحقیقاً دشمنی [با اسلام و مسلمانان] از لابلای سخنانشان پدیدار است و  
آنچه سینه هایشان [از کینه و نفرت] پنهان می دارد بزرگ تر است. ما نشانه ها [ی  
دشمنی و کینه آنان] را اگر می اندیشید برای شما روشن ساختیم.

این آیه به صراحت بیان می کند که دشمنان اسلام «وَدُؤًا مَا عَنِتُّمْ»؛ یعنی  
دوست دارند که شما به رنج و سختی بیفتید. آن ها از هیچ توطئه ای برای ایجاد  
فساد و تباهی در جامعه اسلامی فروگذار نمی کنند. این آیه، هشدار جدی  
به مسلمانان است که در روابط خود با غیرمسلمانان، به ویژه آنانی که خصومت  
پنهانی دارند، هوشیار باشند. ترک جهاد و انفعال در برابر دشمن، به آن ها این  
فرصت را می دهد که نقشه های خود را برای ایجاد مشقت و رنج در میان  
مسلمانان اجرا کنند. این مشقت می تواند اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا  
حتی جسمی باشد. اگر جامعه اسلامی قدرت دفاعی و جهادی خود را از  
دست بدهد، دشمن به راحتی می تواند با تحریم ها، فشارهای سیاسی، و ایجاد  
ناامنی، مسلمانان را به ستوه آورد و آرزوی خود را برای رنجاندن آن ها محقق  
سازد.

إِن تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِن تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِن  
تَضَرُّوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ  
(آل عمران: ۱۲۰)

اگر به شما خیر و خوشی [و پیروزی و غنیمت] رسد، آنان را بدحال [و دلتنگ] می‌کند، و اگر بدی و ناخوشی [و حادثه‌ی تلخی] رسد به سبب آن خوشحال می‌شوند؛ و اگر شکیبایی ورزید و پرهیزکاری کنید، نیرنگشان هیچ زبانی به شما نمی‌رساند؛ مسلماً خدا به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد.

این آیه نیز تأییدی بر آیه قبلی است و بیانگر عمق کینه و حسادت دشمنان است. هرگونه موفقیت، پیشرفت، یا پیروزی برای مسلمانان (حسنة)، آن‌ها را ناراحت می‌کند و هرگونه شکست، بدبختی یا ضرر برای مسلمانان (سیئة)، آنها را شادمان می‌سازد. این نشان می‌دهد که دشمنان آرامش و سعادت مسلمانان را برنمی‌تابند. ترک جهاد به معنای بازگذاشتن دست دشمن برای وارد آوردن این "سیئات" و شادمانی آنهاست.

### ج) سرسپرده کردن مسلمانان به ایشان

یکی از اهداف اصلی و درازمدت دشمنان، به‌ویژه یهود و نصاری، این است که مسلمانان نه تنها از دینشان برگردند، بلکه به طور کامل از آیین و سبک زندگی آنان پیروی کنند و هویت مستقل اسلامی خود را از دست بدهند. پس اگر جهاد و مبارزه با آنها را کنار بگذاریم در حقیقت راه را برای سرسپردگی کامل به دشمنان اسلام هموار کرده‌ایم.

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ آتِيتَهُمْ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (بقره: ۱۲۰)

یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمی‌شوند تا آنکه از آیینشان پیروی کنی. بگو: مسلماً هدایت خدا فقط هدایت [واقعی] است؛ و اگر پس از دانشی که [چون قرآن] برایت آمده از هوا و هوس‌های آنان پیروی کنی، از سوی خدا هیچ سرپرست و یآوری برای تو نخواهد بود.

این آیه یک اصل بنیادین در رابطه با دشمنان اسلام را بیان می‌کند: رضایت آن‌ها تنها زمانی حاصل می‌شود که مسلمانان از "ملت" و آیین آن‌ها پیروی کنند. "ملت" در اینجا نه تنها شامل دین، بلکه شامل سبک زندگی، فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای آن‌ها نیز می‌شود. هدف آن‌ها علاوه بر برگشتن مسلمانان از اسلام، فروربردن ایشان در فرهنگ و هویت خودشان است. اگر مسلمانان در برابر این فشارها و تطمیع‌ها مقاومت نکنند و دست از جهاد بردارند، به تدریج هویت خود را از دست خواهند داد.

## ۲. رفتار دشمن پس از تسلط

پس از شناخت اهداف دشمن، ضروری است به پیامدهای تسلط و غلبه آنان بر جامعه اسلامی و در حقیقت فردای پس از ترک جهاد و شکست در مقابل دشمن بپردازیم. قرآن کریم با ترسیم آینده‌ای تاریک از دوران تسلط دشمن، ضرورت جهاد و مقاومت را بیش از پیش روشن می‌سازد. عدم جهاد و تسلیم در برابر دشمن، نه تنها به معنای از دست دادن استقلال و عزت است، بلکه به تباهی و نابودی تمامی ارکان جامعه منجر می‌شود.

### الف) ایجاد فساد و نسل‌کشی و از بین بردن زیرساخت‌ها

دشمنان دین و انسانیت، زمانی که قدرت را به دست می‌آورند، به تصریح قرآن کریم به ایجاد فساد و نسل‌کشی مؤمنان و از بین بردن زیرساخت‌ها می‌پردازند و دانستن این مطلب، جامعه مؤمنان را بیش از پیش از اقناع می‌کند که باید به جهاد بپردازند و اگر دست از جهاد بردارند چه نتایج شومی در انتظارشان است.

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ (بقره: ۲۰۵)

و هنگامی که [چنین دشمن سرسختی] قدرت و حکومتی یابد، می‌کوشد که در زمین فساد و تباهی به بار آورد، و زراعت و نسل را نابود کند؛ و خدا فساد و تباهی را دوست ندارد.

این آیه، تصویری گویا از فرد یا گروهی ارائه می‌دهد که با ادعای اصلاح، در باطن مفسد هستند و زمانی که به قدرت می‌رسند، برای فساد در زمین تلاش می‌کنند. فساد در زمین شامل هرگونه تباهی در نظام اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و فرهنگی است. مهم‌تر آن که، این آیه به دو پیامد بسیار مخرب اشاره می‌کند: هلاکت حرث و نسل. حرث به معنای زراعت و حاصل‌خیزی زمین است که می‌تواند نماد اقتصاد، معیشت و منابع طبیعی یک جامعه است. هلاکت حرث به معنای نابودی بنیان‌های اقتصادی و معیشتی مردم است که می‌تواند از طریق تحریم، تخریب زیرساخت‌ها، یا سیاست‌های اقتصادی فاسد صورت گیرد. نسل نیز به معنای نسل انسان‌ها، فرزندان، و بقای نژاد مسلمانان است. هلاکت نسل به معنای از بین بردن مسلمانان از طریق کشتار است. این آیه نشان می‌دهد که اگر در برابر این دشمنان ایستادگی نشود و جهاد صورت نگیرد، آنان نه تنها به جان و مال مردم رحم نمی‌کنند، بلکه بنیان‌های زندگی مادی و معنوی جامعه را نیز نابود می‌کنند. پس جهاد برای جلوگیری از این فساد فراگیر و نجات "حرث و نسل" از نابودی، یک ضرورت حیاتی است.

فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (بقره: ۲۵۱)

پس آنان را به توفیق خدا شکست دادند و داود [جوان مؤمن نیرومندی که در سپاه طالوت بود] جالوت را کشت، و خدا او را فرمانروایی و حکمت داد، و از آنچه

می‌خواست به او آموخت. و اگر خدا [تجاوز و ستم] برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین را فساد فرا می‌گرفت؛ ولی خدا نسبت به جهانیان دارای فضل و احسان است.

این آیه نیز به صراحت فلسفه وجودی جهاد و مبارزه را تبیین می‌کند «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» اگر خداوند ستمگری برخی از مردم را به وسیله مقاومت و جهاد برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین پر از فساد می‌شد. این قانون دفع، یک اصل الهی و سنت لایتغیر در خلقت است. دشمنان، به خودی خود دست از شرارت و فساد برنمی‌دارند و تنها نیرویی که می‌تواند جلوی آن‌ها را بگیرد، جهاد و مقاومت مؤمنان است. اگر جهاد نباشد، زمین به فساد کشیده می‌شود، به این معنا که نظام عدل الهی برهم می‌خورد، حقوق مردم ضایع می‌شود، و ظالمان بر همه چیز مسلط می‌گردند. این آیه نشان می‌دهد که جهاد، نه فقط یک تکلیف، بلکه یک راهکار ضروری برای حفظ تعادل و جلوگیری از فساد گسترده در جهان است. ترک جهاد، یعنی پذیرش سلطه فساد و تباهی بر تمامی عرصه‌های زندگی.

### ب) از بین بردن مظاهر دینی

دشمنان اسلام، در پی تسلط کامل، نه تنها به نابودی مادیات و جان انسان‌ها می‌پردازند، بلکه تمامی نمادها و مظاهر دین خدا را از بین می‌برند. پس ترک جهاد و جنگ با دشمنان منجر به از بین رفتن تمامی مظاهر دینی نیز می‌شود.

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدِمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (حج:

همانان که به ناحق از خانه‌هایشان اخراج شدند [و گناه و جرمی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند: پروردگار ما خدا است. و اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، همانا صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مسجد‌هایی که در آن‌ها بسیار نام خدا ذکر می‌شود به شدت ویران می‌شدند؛ و قطعاً خدا به کسانی که [دین] او را یاری می‌دهند یاری می‌رساند؛ مسلماً خدا نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است.

این آیه خداوند به کسانی که به ناحق از خانه‌هایشان رانده شده‌اند، اجازه جنگ و دفاع می‌دهد. نکته بسیار مهم در این آیه، فلسفه‌ای است که برای این اذن قتال ذکر شده است «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» اگر دفع ستم ستمکاران به وسیله مؤمنان نبود، تمامی مراکز عبادت ادیان الهی، یعنی صومعه‌ها (محل عبادت راهبان)، کلیساها (محل عبادت مسیحیان)، کنیسه‌ها (محل عبادت یهودیان)، و مساجد (محل عبادت مسلمانان) که در آن‌ها نام خدا بسیار یاد می‌شود، ویران می‌گشت.

این جمله به وضوح نشان می‌دهد که هدف دشمنان دین، تنها مبارزه با اسلام نیست، بلکه مبارزه با هرگونه مظهر الهی و عبادت خداست. آن‌ها می‌خواهند هر ندای توحیدی و هر مکانی که در آن نام خدا برده می‌شود را نابود کنند. پس جهاد برای حفظ تمامی مظاهر دینی، از جمله مساجد و سایر اماکن مقدسه، یک وظیفه الهی است. ترک جهاد در این زمینه، به معنای تسلیم شدن در برابر نابودی تمامی نمادهای دین و خاموشی ندای توحید در زمین است.

**آيا جنگيدن اجر دارد؟**





## آیا جنگیدن اجر دارد؟

اسلام، هرگز به جنگ و خونریزی به عنوان یک هدف نگاه نکرده است؛ بلکه جهاد را راهکاری ضروری برای حفظ ارزش‌های الهی، دفاع از مظلومان و برقراری عدالت می‌داند. در کنار این ضرورت عقلی و منطقی، قرآن کریم با وعده‌های الهی، به جهاد، جنبه‌ای معنوی و اجر اخروی می‌بخشد تا مؤمنان با انگیزه مضاعف در این مسیر گام بردارند. پاداش مجاهدت و جایگاه مجاهدین در آیات قرآن به وضوح تبیین شده و این خود دلیلی محکم بر اهمیت و ارزش این فریضه است.

### ثواب مجاهدت و جایگاه مجاهدین

مجاهدت در راه خدا، چه با مال و چه با جان، از بالاترین اعمال در پیشگاه خداوند است و برای آن پاداش‌های عظیمی در نظر گرفته شده است.

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِّ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ

عَلَى الْفَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْفَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (نساء: ۹۵)

آن گروه از مؤمنانی که بدون بیماری جسمی [و نقص مالی، و عذر دیگر، از رفتن به جهاد خودداری کردند و] در خانه نشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با اموال و جان‌هایشان به جهاد برخاستند، یکسان نیستند. خدا کسانی را که با اموال و جان‌هایشان جهاد می‌کنند به مقام و مرتبه‌ای بزرگ بر خانه‌نشینان برتری بخشیده است. و هر یک [از این دو گروه] را [به خاطر ایمان و عمل صالحشان] وعده پاداش نیک داده، و جهادکنندگان را بر خانه‌نشینان [بی‌عذر] به پاداشی بزرگ برتری داده است.

این آیه به صراحت بیان می‌کند که مجاهدین با جان و مال در راه خدا، بر کسانی که بدون عذر موجه از جهاد بازمانده‌اند، برتری دارند. این برتری نه تنها در "درجه" (مقام و مرتبه) است، بلکه در "پاداش عظیم" (أَجْرًا عَظِيمًا) نیز متجلی می‌شود. این نشان‌دهنده عظمت و ارزش والای جهاد در اسلام است. خداوند پاداش عظیم را برای کسانی قرار داده که از راحت‌طلبی دست کشیده و برای اعتلای دین خدا فداکاری می‌کنند. این آیه، انگیزه‌ای قوی برای شرکت در جهاد فراهم می‌آورد و جایگاه معنوی مجاهدان را در نزد خدا نمایان می‌سازد.

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (توبه: ۲۰)

آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا به جهاد برخاستند، منزلتشان در پیشگاه خدا بزرگ‌تر و برتر است، و اینانند که کامیابند.

این آیه نیز بر فضیلت مجاهدان تأکید می‌کند و آنان را در زمره‌ی "فائزون" (کامیابان و رستگاران) قرار می‌دهد. ترکیب ایمان، هجرت و جهاد با مال و

جان، کمالات یک مؤمن واقعی را نشان می‌دهد و به این افراد وعده بزرگ‌ترین درجه در نزد خدا را می‌دهد. این درجه نشان‌دهنده قرب الهی و منزلت خاص مجاهدان است.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (بقره: ۲۱۸)

یقیناً کسانی که ایمان آورده، و آنان که هجرت کرده و در راه خدا به جهاد برخاستند، به رحمت خدا امید دارند؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

این آیه به مخاطبان این پیام را می‌دهد که اگر در راه خدا جهاد کنند، حتی اگر گناهای داشته باشند، می‌توانند به آمرزش و رحمت واسعه الهی امیدوار باشند. این وعده الهی، تسکین‌دهنده دل‌ها و مشوقی برای کسانی است که به دنبال راهی برای جبران گذشته و رسیدن به قرب الهی هستند.

وَكَايْنٍ مِّنْ نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِثْيُونًا كَثِيرًا مَّا وَهَبُوا لَمَّا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا أَسْتَكْنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (آل عمران: ۱۴۶)

انبوهی دانشمندان الهی مسلک [و کاملان در دین] به همراه آنان جنگیدند، پس در برابر آسیب‌هایی که در راه خدا به آنان رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و [در برابر دشمن] سر تسلیم و فروتنی فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

این آیه به ماجرای پیامبران گذشته اشاره می‌کند و درس بزرگی برای مسلمانان دارد. در طول تاریخ، پیامبران بسیاری به همراه "رِثْيُون" (عالمان ربانی و خداپرستان راستین) در راه خدا جنگیدند. نکته مهم اینجا این است که آن‌ها با وجود آسیب‌ها و سختی‌هایی که در این مسیر به آن‌ها رسید، سستی نکردند (مَّا وَهَبُوا)، ناتوان نشدند (وَمَا ضَعُفُوا) و تسلیم نشدند (وَمَا أَسْتَكْنُوا). این آیه، ستایشگر صبر و پایداری در جهاد است و بیان می‌دارد که

خداوند شکیبایان را دوست دارد. این صبر، تنها صبر بر مصیبت نیست، بلکه صبر در مبارزه، استقامت در برابر مشکلات و عدم تسلیم در برابر دشمن است. مجاهدانی که چنین روحیه‌ای دارند، مورد محبت خاص الهی قرار می‌گیرند و این خود بزرگترین پاداش معنوی است.

**فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (نساء: ۷۴)**

باید کسانی که زندگی زودگذر دنیا را با سرای جاودان آخرت مبادله می‌کنند، در راه خدا بجنگند و هر که در راه خدا بجنگد و کشته شود، یا بر دشمن پیروز گردد، به زودی پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

این آیه یک معامله الهی را به تصویر می‌کشد: خریدن آخرت به جای دنیا. کسانی که زندگی فانی دنیا را به پاداش‌های ابدی آخرت می‌فروشند، همان کسانی هستند که باید در راه خدا بجنگند. سپس به دو نتیجه محتمل در جهاد اشاره می‌کند و برای هر دو نتیجه، وعده "اجر عظیم" (پاداش بزرگ) می‌دهد:

**وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوُوا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (انفال: ۷۴)**

و کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند و آنان که مهاجران را پناه دادند و یاری کردند، اینانند که مؤمنان واقعی‌اند، برای آنان آمرزش و رزق نیکو و فراوانی است.

این آیه مؤمنان واقعی را با چهار ویژگی معرفی می‌کند: ایمان، هجرت، جهاد در راه خدا، و پناه دادن و یاری کردن (در مورد انصار). این چهار ویژگی، بنیان‌های جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهند. نکته مهم این است که پاداش

این مؤمنان واقعی، آمرزش (مغفرة) و رزق کریم (رزق نیکو و فراوان) است. رزق کریم نه تنها شامل روزی مادی در دنیا می‌شود، بلکه روزی‌های معنوی، آرامش، برکت در زندگی و پاداش‌های بهشتی را نیز در بر می‌گیرد. این آیه بیانگر این است که جهاد، نه تنها بهشت را به دنبال دارد، بلکه می‌تواند موجب برکات و آسایش در زندگی دنیوی نیز شود؛ زیرا خداوند روزی‌دهنده کریم است.



**چرا باید به پیروزی امیدوار باشیم؟**





## چرا باید به پیروزی امیدوار باشیم؟

امید به پیروزی، نه یک خوش بینی ساده و خیالی، بلکه ستون فقرات روحیه جهادی و عامل اصلی پایداری در نبرد با دشمن است. این امید، ریشه در وعده های تخلف ناپذیر الهی و سنت های قطعی خداوند دارد که در قرآن کریم به تفصیل بیان شده اند. مؤمنان با تکیه بر این حقایق قرآنی، هرگز نباید به یأس و ناامیدی راه دهند؛ زیرا نصرت الهی، بخشی از تقدیر حتمی برای مجاهدان راستین است. علاوه بر این، شناخت نقاط ضعف دشمن نیز برای مجاهدان امید آفرین است و قرآن کریم نیز در ذیل عناوینی به ذکر نقاط ضعف دشمن پرداخته است که بیان آنها از زبان خدای متعال باعث ایجاد امید خواهد شد. در ادامه به تفصیل به بیان هر دوی این موارد می پردازیم.

### ۱. وعده ها و سنت های الهی در رابطه با نصرت مؤمنین و تحقق

#### آنها

آیات قرآن به چهار بخش اصلی در مورد نصرت الهی اشاره دارند: الف) کلیت سنت نصرت الهی و وعده به آن، ب) سنت از بین بردن کید دشمنان،

ج) سنت غلبه دادن لشکرهای کوچک بر لشکرهای بزرگ و د) سنت امدادهای غیبی. که با تکیه بر این اصول، دلیلی برای ناامیدی از پیروزی وجود ندارد.

### الف) کلیت سنت نصرت الهی و وعده به آن

خداوند متعال بارها در قرآن کریم به مؤمنان وعده یاری و پیروزی داده است. این وعده‌ها نه تنها دلگرم‌کننده هستند، بلکه بیانگر یک سنت الهی هستند. علاوه بر این خداوند متعال در برخی موارد به صراحت نصرت الهی را به عنوان یک سنت بیان کرده است که در طول تاریخ برای کسانی که در راه حق پایداری کرده‌اند، محقق شده است.

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (آل عمران: ۱۲۶)

و خدا آن [وعده پیروزی] را، جز مژده‌ای برای شما قرار نداد تا [بدین وسیله شادمان شوید و] دل‌های شما بدان آرامش یابد و یاری جز از جانب خداوند توانای حکیم نیست.

این آیه به صراحت بیان می‌کند که وعده پیروزی، هدفی جز بشارت و اطمینان دل‌های مؤمنان ندارد. این یعنی، اصل نصرت و وعده الهی به آن، برای تقویت روحیه و رفع هرگونه یأس و دل‌شوره است. نصرت نهایی، تنها از جانب خداوند عزیز و حکیم است. این آیه، بنیاد امیدواری مؤمنان در سخت‌ترین شرایط است.

إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (آل عمران: ۱۶۰)

اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما چیره و غالب نخواهد شد، و اگر شما را واگذارد، چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد داد؟ و مؤمنان باید فقط بر خدا توکل کنند.

این آیه یک قاعده کلی و بنیادین را مطرح می‌کند: نصرت الهی، عامل بی‌رقیب پیروزی است. اگر خداوند کسی را یاری کند، هیچ قدرتی نمی‌تواند بر او غلبه کند، و اگر یاری خود را باز دارد، هیچ کس نمی‌تواند یاری‌اش کند. این بیان، اوج قدرت مطلق الهی و بی‌نیازی مؤمنان به هر نیرویی جز خدا را نشان می‌دهد..

ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ (یونس: ۱۰۳)

آن گاه پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند [روز نزول عذاب] می‌رهانیم، همین گونه بر ما فریضه و لازم است که مؤمنان را نجات دهیم.

این آیه بیان می‌کند که نجات پیامبران و مؤمنان، "حقاً عَلَيْنَا" یعنی حقی بر عهده خداوند است. این تعبیر، نشان‌دهنده قطعی بودن و حتمیت این وعده الهی است. همان گونه که در طول تاریخ، پیامبران و پیروانشان از سختی‌ها و عذاب‌ها نجات یافته‌اند، مؤمنان نیز در هر زمان و مکانی از سوی خدا نجات داده خواهند شد. این نجات می‌تواند در قالب پیروزی بر دشمن، رهایی از گرفتاری‌ها، یا هر نوع نصرت الهی دیگر باشد. این وعده، امید به رهایی و پیروزی را در دل مجاهدان زنده نگه می‌دارد.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَأَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُموا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ (روم: ۴۷)

و به راستی پیش از تو پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم که برای آنان دلایل روشن آوردند، سپس ما از آنان که مرتکب گناه شدند، انتقام گرفتیم [و مؤمنان را یاری دادیم]؛ و یاری مؤمنان حقی بر عهده ماست.

تکرار عبارت «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» در این آیه، تأکیدی دیگر بر حتمیت و لزوم نصرت الهی برای مؤمنان است. خداوند نه تنها از مجرمان و ستمکاران انتقام می‌گیرد، بلکه یاری مؤمنان را وظیفه‌ای بر خود قرار داده است. این سنت الهی، همواره در تاریخ تکرار شده است: هرگاه مؤمنان با بینات و دلایل روشن در راه حق ایستادگی کرده‌اند، خداوند آنان را یاری نموده و از دشمنان انتقام گرفته است. این آیه، پشتوانه‌ای محکم برای امید به پیروزی در نبردهای امروز ماست.

لَنْ يَضُرَّوْكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِنْ يُقَاتِلُواكُمْ يُوَلُّوكُمْ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ  
(آل عمران: ۱۱۱)

هرگز به شما جز آزاری اندک نمی‌رسانند، و اگر با شما بجنگند [شکست می‌خورند و] به شما پشت کرده [فرار می‌کنند] آن گاه [از جانب دیگران] یاری نمی‌شوند.

این آیه به مؤمنان اطمینان خاطر می‌دهد که دشمنان، هر چقدر هم که قدرتمند به نظر برسند، نمی‌توانند آسیب جدی به مؤمنان وارد کنند و تنها می‌توانند آزاری اندک برسانند. مهم‌تر آنکه، اگر با مؤمنان بجنگند، شکست می‌خورند و فرار می‌کنند و از هیچ کسی یاری نخواهند یافت. این آیه، نه تنها ترس از دشمن را از بین می‌برد، بلکه وعده پیروزی قطعی را می‌دهد. این اطمینان به پیروزی، یکی از عوامل مهم در حفظ روحیه و پایداری در جهاد است.

أَذِنَ لِلَّذِينَ يَقَاتُلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (حج: ۳۹)

به کسانی که [ستمکارانه] مورد جنگ و هجوم قرار می گیرند، به سبب آنکه به آنان ستم شده اذن جنگ داده شده، مسلماً خدا بر یاری دادن آنان تواناست.

این آیه، اولین آیه صریح در قرآن است که به مسلمانان اجازه جهاد را می دهد، و دلیل آن را "ظلم" شدن بر مؤمنان بیان می کند. نکته کلیدی در این آیه، جمله «وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» است: خداوند قطعاً بر یاری دادن آنان تواناست. این جمله، توانایی مطلق خداوند را در نصرت مؤمنان نشان می دهد و جای هیچ گونه تردیدی در تحقق وعده الهی باقی نمی گذارد. اذن جهاد، با توانایی مطلق خداوند در یاری رسانی گره خورده است، که خود موجبات امید و اطمینان خاطر را فراهم می آورد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (محمد: ۷)

ای مؤمنان! اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می کند و گام هایتان را محکم و استوار می سازد.

این آیه یک شرط و جزای مهم را مطرح می کند: «إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»؛ اگر خدا را یاری کنید، او نیز شما را یاری خواهد کرد. یاری کردن خدا به معنای یاری دین او، اجرای احکامش، و جهاد در راه اوست. در مقابل، خداوند دو وعده می دهد:

۱. شما را یاری می کند؛

۲. گام‌هایتان را استوار می‌سازد: تثبیت قدم‌ها، به معنای تقویت روحیه، پایداری در میدان نبرد است.

این آیه، انگیزه‌ای قوی برای جهاد فعالانه است، زیرا نصرت الهی مستقیماً به نصرت ما به دین خدا وابسته است.

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ  
(مائده: ۵۶)

و کسانی که خدا و رسولش و مؤمنانی [چون علی بن ابی طالب] را به سرپرستی و دوستی بپذیرند [حزب خدایند،] و یقیناً حزب خدا [در هر زمان و همه جا] پیروزند.

این آیه ارتباط وثیقی با مفهوم ولایت دارد و می‌فرماید هر کس ولایت خدا، رسول و مؤمنان (که شیعه آن را به امام علی (علیه السلام) و ائمه (علیه السلام) تفسیر می‌کند) را بپذیرد، او از حزب الله است. مهم‌ترین بخش آیه این است که «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»؛ یقیناً حزب خدا پیروزند. این یک وعده قطعی الهی است که حزب خدا، یعنی کسانی که تحت ولایت الهی هستند و در مسیر حق گام برمی‌دارند، همواره بر دشمنان غلبه خواهند کرد. این آیه، منبع بی‌نظیری از امید برای کسانی است که خود را در جبهه حق می‌دانند.

**روایت مرتبط:** در روایتی از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است: "إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيَدْفَعُ بِالْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ أَرَادَ إِفْسَادَ دِينِهِ". یعنی: "همانا خداوند متعال به وسیله مجاهدان در راه خدا، شرّ کسانی را که قصد تباهی دین او را دارند، دفع می‌کند." (کلینی، ج ۵، ص ۱۶) این روایت تأکید می‌کند که جهاد، نه تنها موجب پیروزی مؤمنان می‌شود، بلکه ابزاری است که خداوند توسط آن از دین خود محافظت می‌کند و مکر دشمنان را دفع می‌نماید.

وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ (صافات: ۱۷۳)

و مسلماً سپاه ما پیروزند.

این آیه نیز به شکل قاطع و بدون هیچ قیدی، پیروزی را برای "جندنا" (سپاه ما) تضمین می‌کند. سپاه خدا، همان مؤمنان و مجاهدان واقعی هستند که در راه او می‌جنگند. این جمله کوتاه اما پرمحتوا، وعده حتمی پیروزی نهایی را به ارمغان می‌آورد.

أَسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسِيَهُمْ ذَكَرَ اللَّهُ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ  
أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (مجادله: ۱۹)

شیطان بر آنان چیره و مسلط شده و یاد خدا را از خاطرشان برده است، آنان حزب شیطان اند، آگاه باش که حزب شیطان یقیناً همان زیانکاران اند!

در مقابل وعده پیروزی حزب الله، این آیه، سرنوشت حزب الشیطان را بیان می‌کند: آن‌ها زیانکاران هستند. این تقابل میان حزب الله (پیروز) و حزب الشیطان (زیانکار)، مؤمنان را به جبهه حق امیدوارتر می‌کند و آنان را از پیوستن به جبهه باطل بر حذر می‌دارد. اگر مسلمانان در راه خدا جهاد کنند و از حزب الله باشند، هرگز زیان نخواهند کرد.

ب) سنت از بین بردن کید دشمنان

یکی از جلوه‌های مهم نصرت الهی، خنثی کردن و از بین بردن نقشه‌ها و توطئه‌های دشمنان است. خداوند مکر آنان را به خودشان برمی‌گرداند و کیدشان را سست می‌کند.

ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ (انفال: ۱۸)

[سرنوشت مؤمنان و کافران از] این [قرار است که دیدید]، و قطعاً خدا سست‌کننده نیرنگ کافران است.

این آیه به صراحت بیان می‌کند که خداوند "مُوْهِن کَیْدِ الْکَافِرِیْنَ" است؛ یعنی نیرنگ و توطئه کافران را سست و ضعیف می‌کند. این یک اصل مهم است که مؤمنان را به امیدواری ترغیب می‌کند. هر چقدر هم که دشمنان با مکر و حيله نقشه‌ها بکشند، اگر مؤمنان در مسیر حق باشند، خداوند نقشه آنان را نقش بر آب می‌کند و توطئه‌هایشان را بی‌اثر می‌سازد. این خود نوعی نصرت غیبی است که نیاز به جهاد و تلاش مؤمنان را از بین نمی‌برد، بلکه به آن جهت می‌دهد.

**وَمَكْرُواْ اللّٰهَ وَاللّٰهُ خَيْرُ الْمَاكِرِیْنَ (آل عمران: ۵۴)**

و [کافران از بنی اسرائیل درباره عیسی و آیینش] نیرنگ زدند، و خدا هم جزای نیرنگشان را داد؛ و خدا بهترین جزا دهنده نیرنگ‌زندگان است.

این آیه یک قاعده کلی دیگر را بیان می‌کند: «وَمَكْرُواْ اللّٰهَ وَاللّٰهُ خَيْرُ الْمَاكِرِیْنَ»؛ دشمنان مکر کردند و خدا نیز مکر کرد، و خداوند بهترین مکرکنندگان (یا بهترین تدبیرکنندگان در برابر مکر) است. این آیه به داستان یهود و توطئه قتل حضرت عیسی (علیه السلام) اشاره دارد، اما مفهوم آن کلی است. هرگاه دشمنان با مکر و توطئه به جنگ حق بیایند، خداوند با تدبیری عالی‌تر، مکر آنان را خنثی می‌کند و به خودشان باز می‌گرداند. این اطمینان به شکست توطئه‌های دشمن، دلیل محکمی برای امید به پیروزی است.

**وَمَكْرُواْ مَكْرًا وَمَكْرَنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا یَشْعُرُوْنَ (نمل: ۵۰)**

آنان نیرنگ مهمی به کار گرفتند و ما هم در حالی که بی‌خبر بودند [با کیفر بسیار سختی] نیرنگ آنان را از بین بردیم.



این آیه نیز بر همین سنت الهی تأکید دارد که خداوند مکر دشمنان را در حالی که آنان غافل اند، به بهترین وجهی خنثی می‌کند. این آیه در مورد قوم ثمود و توطئه قتل پیامبرشان صالح (علیه السلام) است. دشمنان نقشه شومی کشیدند، اما خداوند تدبیری بهتر (مکرناً مکرراً) اتخاذ کرد و آنان را در حالی که نمی‌دانستند، نابود کرد. این نشان می‌دهد که دست خدا بالاتر از هر نیرنگ و توطئه‌ای است.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا  
ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ (انفال: ۳۶)

مسلمانان کسانی که کافرنند، اموالشان را هزینه می‌کنند تا مردم را از راه خدا بازدارند، و به زودی تمامی اموالشان را [برای جلوگیری از گسترش اسلام] خرج می‌کنند؛ سپس [این عمل] برای آنان مایه‌ی حسرت و ندامت می‌شود [زیرا خواهند دید که ثرویشان را از دست داده‌اند و اسلام هم گسترش یافته] و آن‌گاه مغلوب می‌شوند، و آنان که کافرنند به سوی دوزخ گردآوری خواهند شد.

این آیه به صراحت بیان می‌کند که کافران با تمام توان مالی خود سعی در جلوگیری از گسترش راه خدا می‌کنند، اما نتیجه این هزینه کرد عظیم، حسرت و ندامت و در نهایت مغلوب شدن است. این وعده الهی، تضمین‌کننده این است که تلاش‌های مالی و اقتصادی دشمنان برای سرکوب اسلام، محکوم به شکست است. این آیه، برای مبلغین بسیار مهم است که نشان دهند صرف هزینه‌های کلان و قدرت اقتصادی دشمن، نمی‌تواند جلوی پیروزی حق را بگیرد.

## ج) سنت غلبه دادن امکانات و نیروی اندک بر امکانات و نیروی

### فراوان

یکی از بارزترین جلوه‌های نصرت الهی، پیروزی مؤمنان با امکانات و نفرات کم بر دشمنان پرشمار و مجهز است. این سنت الهی، بارها در طول تاریخ و در صدر اسلام به وقوع پیوسته است.

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ ۖ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (بقره: ۲۴۹)

پس زمانی که طالوت با سپاهیان [برای جنگ با دشمن از شهر] بیرون رفت، گفت: بی‌ترید خدا شما را به وسیله نهر آبی آزمایش می‌کند؛ پس هر که [به هنگام تشنگی] از آن [سیر] بنوشد، از من نیست و هر که از آن نخورد، از من است، مگر کسی که با دستش کفی آب بگیرد [که او نه از من است و نه مردود از سپاه] پس جز اندکی از آنان همگی از آن نوشیدند و زمانی که او و کسانی که با او ایمان آورده بودند از نهر گذشتند، [گروهی از آنان] گفتند: ما را امروز قدرت مقابله با جالوت و سپاهیان نیست ولی کسانی که یقین داشتند که دیدارکننده خدایند، گفتند: چه بسا گروه اندکی که به توفیق خدا بر گروه بسیاری پیروز شدند، و خدا با شکیبایان است.

این آیه به داستان طالوت و جالوت اشاره دارد و اصل مهم "كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ" (چه بسا گروه اندکی که به توفیق خدا بر گروه بسیاری پیروز شدند) را مطرح می‌کند. این یک اصل قرآنی است که به مؤمنان می‌آموزد که تعداد و تجهیزات، تنها عامل پیروزی نیست، بلکه توکل

بر خدا، صبر و پایداری، عوامل اصلی هستند. این آیه نه تنها الهام‌بخش است، بلکه بیانگر یک سنت الهی است که در طول تاریخ تکرار شده است. در این داستان، پس از آزمایش الهی، تنها عدهٔ خیلی با ایمان و ارادهٔ قوی باقی ماندند که همین تعداد کم، توانستند بر سپاه عظیم جالوت پیروز شوند.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (انفال: ۶۵)

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز که اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می‌شوند، و اگر از شما صد نفر [صابر] باشند بر هزار نفر از کافران چیره می‌شوند؛ زیرا آنان گروهی هستند [که حقایق توحید و حالات ملکوتیه را] نمی‌فهمند.

این آیه یک نسبت مستقیم برای پیروزی در جهاد ارائه می‌دهد: هر ۲۰ نفر مؤمن صابر، بر ۲۰۰ نفر کافر و هر ۱۰۰ نفر مؤمن صابر، بر ۱۰۰۰ نفر کافر پیروز می‌شوند. دلیل این پیروزی نیز "عدم فهم" کافران ذکر شده است. آنها حقایق را نمی‌فهمند و از نیروی ایمان و توکل بر خدا بی‌بهره‌اند. این آیه، یک قاعدهٔ الهی است که نشان می‌دهد کیفیت و ایمان، بر کمیت و تجهیزات برتری دارد. این آیه، برای تشویق مؤمنان به جهاد و اطمینان از پیروزی در نبردهای نابرابر، بسیار حیاتی است.

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ (آل عمران: ۱۲۳)

و یقیناً خدا شما را در [جنگ] بدر- با آنکه ناتوان بودید- یاری کرد. پس از خدا پروا کنید، باشد که سپاسگزاری نمایید.

نمونه بارز تحقق این سنت، جنگ بدر است. مسلمانان (تقریباً ۳۱۳ نفر) با تجهیزات اندک در برابر سپاه قریش (بیش از ۱۰۰۰ نفر) که از هر لحاظ مجهز بودند، قرار گرفتند. با وجود ضعف ظاهری مسلمانان، خداوند آنان را یاری کرد و پیروزی از آن مؤمنان شد. آیه ۱۲۳ آل عمران به صراحت به این نصرت الهی در حالی که مسلمانان "اذلة" (ناتوان و کم‌شمار) بودند، اشاره می‌کند و این خود دلیلی بر امید به پیروزی در شرایط دشوار است. این پیروزی، نه فقط به قدرت نظامی، بلکه به توکل، صبر، و تقوای مؤمنان نسبت داده می‌شود.

#### (د) سنت امدادهای غیبی

یکی از روشهایی که خداوند با آن به مومنان یاری می‌رساند، از طریق امدادهای غیبی است. خداوند متعال مواردی از امدادهای غیبی‌ای که به مؤمنان رسانده است را در قرآن کریم بیان می‌دارد که در ادامه به بیان آنها می‌پردازیم.

#### ۱. نازل کردن فرشتگان

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ (انفال: ۹)

[به یاد آورید] زمانی را که پروردگار خود را به فریاد می‌طلبیدید، پس دعای شما را اجابت کرد که: «من شما را با هزار فرشته پیاپی، یاری خواهم کرد».

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَن يَكْفِيكُمْ أَن يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ ءَالِافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزِلِينَ (آل عمران: ۱۲۴)

آن گاه که به مؤمنان می‌گفتی: «آیا شما را بس نیست که پروردگارتان، شما را با سه هزار فرشته فرودآمده، یاری کند؟»

بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ (آل عمران: ۱۲۵)

آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، [همانگاه] پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد.

این آیات به صراحت از یاری فرشتگان در میدان نبرد سخن می‌گویند. در جنگ بدر، ابتدا وعده هزار فرشته (انفال: ۹) و سپس سه هزار و حتی پنج هزار فرشته (آل عمران: ۱۲۵-۱۲۴) مشروط به صبر و تقوا، داده شد. این امدادهای غیبی، واقعی بوده و نقش مؤثری در پیروزی مؤمنان ایفا کرده است.

این نوع از نصرت، بسیار امیدبخش است و نشان می‌دهد که مؤمنان تنها نیستند و لشکریان الهی در کنارشان هستند.

## ۲. ارباب دشمنان

سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانٌ وَمَأْوِيَهُمُ النَّارُ وَبُنُسٍ مَّثْوَى الظَّالِمِينَ (آل عمران: ۱۵۱)

به زودی در دل‌های کافران ترس می‌اندازیم؛ زیرا چیزی را که خدا بر [حقانیت] آن دلیلی نازل نکرده شریک خدا قرار داده‌اند، و جایگاهشان آتش است؛ و چه بد است جایگاه ستمکاران.

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا  
سَأَلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَصْرَبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ  
وَأَصْرَبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ (انفال: ۱۲)

[یاد کن] هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم، پس مؤمنان را [برای نبرد با دشمن] ثابت قدم دارید، [و] به زودی در دل کافران ترس می‌اندازم، پس سرهایشان را در هم کوبید و همه‌ی انگشتانشان را قطع کنید.

یکی از قوی‌ترین امدادهای غیبی، ایجاد رعب و ترس در دل دشمنان است. این رعب، موجب تضعیف روحیه دشمن و پراکندگی آن‌ها می‌شود. این آیات به وضوح به این امداد اشاره دارند. این ترس نه از قدرت نظامی مؤمنان، بلکه از یک عامل ماورایی و الهی نشأت می‌گیرد که دشمن را از درون متلاشی می‌کند.

### ۳. نازل کردن باران

إِذْ يَعْشِقُكُمُ النَّعَاسُ أَمَنَةٌ مِنْهُ وَ يُنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً  
لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمُ رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ  
وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ (انفال: ۱۱)

[به یاد آورید] هنگامی را که [خدا] خواب سبک آرامش‌بخشی که از جانب او بود بر شما مسلط ساخت و از آسمان بارانی بر شما فرو ریزانید تا شما را با آن پاک گرداند و وسوسه شیطان را از شما بزداید و دل‌هایتان را محکم سازد و گام‌هایتان را بدان استوار دارد.

در جنگ بدر، نزول باران برای مسلمانان که در زمین‌های شنی و خشک مستقر بودند، موجب تطهیر، رفع عطش، تقویت روحیه و

تثبیت قدم‌ها شد؛ در حالی که برای دشمنان، موجب گل و لای و سختی حرکت گردید. این امداد طبیعی، در واقع امدادی غیبی بود که به نفع مؤمنان و به ضرر کافران تمام شد و نمونه‌ای از یاری خداوند از طریق طبیعت است.

#### ۴. نازل کردن باد شدید (طوفان)

إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّهُمْ تَرَوْنَهَا (احزاب: ۹)

در آن هنگام که لشکرهایی (عظیم) به سراغ شما آمدند ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آن‌ها را نمی‌دیدید (و به این وسیله آن‌ها را در هم شکستیم).

در جنگ احزاب (خندق)، در شرایطی که لشکر عظیم دشمن، مدینه را محاصره کرده بود و مسلمانان در نهایت سختی قرار داشتند، خداوند با فرستادن باد شدید و طوفان، سپاه دشمن را متفرق ساخت و آن‌ها را وادار به فرار کرد. این باد و سرمای شدید، لشکر عظیم احزاب را از پای درآورد و بدون نیاز به جنگ مستقیم، پیروزی را نصیب مسلمانان کرد.

#### ۵. اندک‌نمایی

إِذْ يُرِيكُهُمُ اللَّهُ فِي مَنَاكَ قَلِيلًا وَ لَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَفَشِلْتُمْ وَ لَتَنَارَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (انفال: ۴۳)

در آن هنگام که خداوند تعداد آن‌ها را در خواب به تو کم نشان داد و اگر فراوان نشان می‌داد، مسلماً سست می‌شدید و (درباره شروع جنگ با آن‌ها) کارتان به اختلاف می‌کشید ولی خداوند (شما را از شر این‌ها) سالم نگه داشت. خداوند به آنچه درون سینه‌هاست، داناست.

وَ إِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّفَقُّتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَ يَقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ  
(انفال: ۴۴)

و در آن هنگام [که در میدان نبرد]، با هم رو به رو شدید، آن‌ها را به چشم شما کم نشان می‌داد و شما را [نیز] به چشم آن‌ها کم می‌نمود تا خداوند، کاری را که می‌بایست انجام گیرد، صورت بخشد [شما نترسید و اقدام به جنگ کنید، آن‌ها هم وحشت نکنند و حاضر به جنگ شوند و سرانجام شکست بخورند!] و همه کارها به خداوند باز می‌گردد.

در جنگ بدر، خداوند با یک تدبیر غیبی، تعداد سپاه دشمن را در خواب پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) کم نشان داد تا مسلمانان دچار ترس و تردید نشوند. سپس در میدان نبرد، این اندک‌نمایی دوطرفه رخ داد: تعداد دشمن در نظر مسلمانان کم جلوه کرد تا شجاعت پیدا کنند، و تعداد مسلمانان در نظر دشمن کم جلوه کرد تا مغرور شوند و به جنگ ادامه دهند. این امداد غیبی، از نظر روانی تأثیر عمیقی در پیروزی مسلمانان داشت و نشان می‌دهد که خداوند حتی بر ادراکات حسی نیز تأثیر می‌گذارد تا وعده پیروزی محقق شود.

۶. نازل کردن سکینه (آرامش) به قلب‌های مؤمنان



ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (توبه: ۲۶)

سپس خداوند «سکینه» خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد و لشکرهایی فرستاد که شما نمی‌دیدید و کافران را مجازات کرد و این است جزای کافران!

إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسُ أَمَنَةً مِنْهُ (انفال: ۱۱)

و (یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فراگرفت.

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِّنْكُمْ (آل عمران: ۱۵۴)

سپس بدنبال این غم و اندوه، آرامشی بر شما فرستاد. این آرامش، بصورت خواب سبکی بود که (در شب بعد از حادثه احد)، گروهی از شما را فرا گرفت.

در موقعیت‌های بحرانی جنگ، مانند جنگ حنین (توبه: ۲۶)، یا شب بعد از جنگ بدر (انفال: ۱۱) و احد (آل عمران: ۱۵۴)، خداوند با نازل کردن سکینه (آرامش قلبی) و حتی خواب سبک آرامش‌بخش، دل‌های مؤمنان را آرام کرد. این آرامش در اوج اضطراب و خطر، نه تنها موجب تقویت روحیه و رفع خستگی شد، بلکه به آنان توانایی داد تا با قدرت بیشتری به نبرد ادامه دهند. این امداد روانی، نشان می‌دهد که خداوند از راه‌های مختلف، حتی از طریق خواب و آرامش، مؤمنان را یاری می‌رساند.

إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَخْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (توبه: ۴۰)

اگر او را یاری نکنید، خداوند او را یاری کرد (و در مشکلترین ساعات، او را تنها نگذاشت) آن هنگام که کافران او را (از مکه) بیرون کردند، در حالی که دوّمین نفر بود (و یک نفر بیشتر همراه نداشت) در آن هنگام که آن دو در غار بودند و او به همراه خود می گفت: «غم مخور، خدا با ماست!» در این موقع، خداوند سکینه (و آرامش) خود را بر او فرستاد و با لشکریایی که مشاهده نمی کردید، او را تقویت نمود و گفتار (و هدف) کافران را پایین قرار داد، (و آن ها را با شکست مواجه ساخت) و سخن خدا (و آیین او)، بالا (و پیروز) است و خداوند عزیز و حکیم است!

این آیه به ماجرای هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ابوبکر به مدینه و پناه گرفتن در غار ثور اشاره دارد. در آن شرایط بسیار حساس که دشمنان در تعقیب ایشان بودند، خداوند با نزول سکینه (آرامش) به قلب پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یاری ایشان با لشکریانی که دیده نمی شدند، توطئه دشمن را خنثی کرد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نجات داد. این نمونه بارز امداد غیبی، نشان می دهد که خداوند حتی در سخت ترین و خطرناک ترین لحظات نیز مؤمنان واقعی را تنها نمی گذارد و از آنان حمایت می کند.

## ۲. نقاط ضعف دشمن

علاوه بر امید به نصرت الهی و وعده های پیروزی که به مؤمنان داده شده، شناخت نقاط ضعف دشمن نیز از عوامل مهم در تقویت روحیه و استراتژی

جهاد است. قرآن کریم، با دقتی بی نظیر، ابعاد مختلف ضعف دشمنان حق را تبیین می کند تا مؤمنان با بصیرت کامل، به نبرد با آنان بپردازند. این نقاط ضعف، اساس امید به پیروزی و برنامه ریزی برای مقابله با دشمن را تشکیل می دهند.

### الف) آسیب پذیری دشمن

تصور اینکه دشمنان قدرتمند، شکست ناپذیرند، یک توهم خطرناک است. قرآن به مؤمنان یادآوری می کند که دشمنان نیز مانند خودشان آسیب پذیر هستند و رنج می کشند.

إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (آل عمران: ۱۴۰)

اگر [در جنگ احد] به شما آسیب و جراحتی رسید، آن گروه را نیز [در جنگ بدر] آسیب و جراحتی مانند آن رسید و ما این روزها [ی پیروزی و ناکامی] را [به عنوان امتحان] در میان مردم می گردانیم [تا عبرت گیرند] و خدا کسانی را که [از روی حقیقت و خلوص] ایمان آورده اند، مشخص کند و از میان شما گواهانی [نسبت به پیروزی ها که نتیجه طاعت و تقواست، و شکست ها که محصول نافرمانی و بی تقوایی است] بگیرد؛ و خدا ستمکاران را [که با سستی و بی تقوایی بر خود ستم می کنند] دوست ندارد.

این آیه پس از بیان آسیب هایی که در جنگ احد به مسلمانان وارد شد، به آنان یادآوری می کند که دشمنان نیز در جنگ بدر، دچار همین آسیب ها و جراحات شده اند. اصل مهم «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» (این روزها را در میان مردم می گردانیم) بیان می کند که پیروزی و شکست، همیشه در

دست یک گروه نمی‌ماند؛ بلکه دست به دست می‌شود. این سنت الهی، هم فرصتی برای امتحان مؤمنان است، و هم نشان می‌دهد که دشمنان نیز آسیب‌پذیرند. پس نباید از رنج و آسیب واهمه داشت، چرا که این رنج برای دشمن نیز وجود دارد و آن‌ها در ذات خود شکست‌ناپذیر نیستند.

وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلُمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلُمُونَ كَمَا تَأْلُمُونَ  
وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ ۖ وَاللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (نساء: ۱۰۴)

و در تعقیب و جستجوی دشمن سستی نکنید اگر شما [در رویارویی با دشمن] درد و رنج می‌بینید، آنان نیز چون شما درد و رنج می‌بینند، و شما چیزی را [چون پیروزی و پاداش] از خدا امید دارید که آنان امید ندارند؛ و خدا همواره دانا و حکیم است.

این آیه یک نکته روانشناخت و عملی مهم را مطرح می‌کند: «إِنْ تَكُونُوا تَأْلُمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلُمُونَ كَمَا تَأْلُمُونَ»؛ اگر شما درد می‌کشید، آن‌ها نیز همانند شما درد می‌کشند. این جمله، از ضعف دشمن پرده برمی‌دارد و به مؤمنان دلگرمی می‌دهد که رنج و سختی مختص آن‌ها نیست. تفاوت اساسی در این است که مؤمنان «وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ»؛ یعنی امیدی به خدا دارید که دشمنان ندارند. این امید به پاداش الهی، شهادت، و نصرت غیبی، نقطه برتری مؤمنان است که تحمل رنج را برایشان آسان‌تر می‌کند و در نهایت به پیروزی می‌انجامد.

### ب) ضعف روحیه و ترس به جهت حب حیات

یکی از بزرگترین نقاط ضعف دشمنان، وابستگی شدید آن‌ها به زندگی دنیا و ترس از مرگ است. این در حالی است که مؤمنان، با فرهنگ شهادت‌طلبی و ایمان به زندگی اخروی، از این نقطه ضعف مبرا هستند.

وَلْتَجِدْنَهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ  
يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرْخِزٍ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا  
يَعْمَلُونَ (بقره: ۹۶)

و یقیناً آنان را حریص‌ترین مردم به زندگی [دراز مدت] خواهی یافت و [حتی  
حریص‌تر] از مشرکان. هر یک از آنان آرزومند است که ای کاش هزار سال عمرش  
دهند، ولی آن عمر طولانی دورکننده او از عذاب نیست؛ و خدا به آنچه انجام  
می‌دهند، بیناست.

این آیه به حرص شدید یهود و مشرکان به زندگی دنیا اشاره دارد. آن‌ها  
آنقدر به دنیا وابسته هستند که آرزو می‌کنند هزار سال عمر کنند. این حرص،  
در واقع نقطه ضعف بزرگی در میدان نبرد است، زیرا کسی که به شدت از مرگ  
می‌ترسد، هرگز نمی‌تواند با شجاعت و فداکاری بجنگد. این آیه به مؤمنان  
یادآوری می‌کند که دشمنشان با وجود قدرت ظاهری، از ترس مرگ دچار  
ضعف روحی است.

قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ  
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (جمعه: ۸)

بگو: بی‌ترید مرگی را که از آن می‌گریزید با شما دیدار خواهد کرد، سپس به سوی  
دانای نهان و آشکار بازگردانده می‌شوید، پس شما را به اعمالی که همواره انجام  
می‌دادید، آگاه خواهد کرد.

این آیه نیز همانند آیه قبل اشاره به ترس از مرگ در میان یهود دارد که  
نقطه ضعف بزرگی در هنگامه جنگ است.

لَنْ يَصُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُؤْلَوْكُمْ الْأَذْبَارُ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ  
(آل عمران: ۱۱۱)

هرگز به شما جز آزاری اندک نمی‌رسانند، و اگر با شما بجنگند [شکست می‌خورند و] به شما پشت کرده [فرار می‌کنند] آن گاه [از جانب دیگران] یاری نمی‌شوند.

تکرار این آیه در اینجا، اهمیت این نکته را نشان می‌دهد که ضعف روحی و ترس از مرگ دشمنان، موجب می‌شود که در هنگام نبرد، به جای ایستادگی، به فرار روی آورند و پس از آن نیز هیچ یآوری نخواهند داشت. این همان ضعف بنیادینی است که مؤمنان می‌توانند بر آن تکیه کنند و از آن برای غلبه بر دشمن بهره ببرند.

### ج) اختلاف داخلی

یکی از مهمترین نقاط ضعف دشمنان، عدم انسجام و وجود اختلافات درونی آن‌هاست که موجب پراکندگی و تضعیف قوایشان می‌شود.

لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ (حشر: ۱۴)

همه‌ی آنان [به صورت متحد و یک پارچه] با شما نمی‌جنگند مگر در آبادی‌هایی که دارای حصار و قلعه و دژ هستند، یا از پشت دیوارها، دلاوری آنان میان خودشان شدید است [ولی از رویارویی با شما می‌ترسند]، آنان را متحد و هم‌دست می‌پنداری در حالی که دل‌هایشان پراکنده است؛ زیرا آنان گروهی هستند که تعقل نمی‌کنند.

این آیه به وضوح نقاط ضعف دشمنان (در اینجا بنی‌نضیر) را بیان می‌کند. آن‌ها تنها در مکان‌های محصن (دارای قلعه و دژ) یا از پشت دیوارها حاضر به جنگ با شما هستند، یعنی از رویارویی مستقیم می‌ترسند. نکته مهم‌تر آنکه:

«بِأَسْهُمٍ يَبْنُهُمْ شَدِيدٌ نَحْسَبُهُمْ جَمِيعاً وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى»؛ قدرت و شدت عمل آن‌ها در مقابل خودشان و در داخل گروهشان زیاد است، اما در برابر شما اینگونه نیستند. شما آن‌ها را متحد می‌پندارید، در حالی که دل‌هایشان پراکنده است. دلیل این پراکندگی و عدم اتحاد، «بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (آنان قومی هستند که تعقل نمی‌کنند) است، زیرا از حقایق و اهداف والای الهی بی‌خبرند. این آیه نشان می‌دهد که اختلافات درونی دشمن، عامل تضعیف قدرت آن‌هاست و مؤمنان می‌توانند از این نقطه ضعف بهره ببرند و به شکست دشمن امیدوار باشند.

#### د) عدم پشتیبانی الهی و سرپرستی او

دشمنان به دلیل کفر و انحراف از راه خدا، از نصرت و پشتیبانی الهی محروم هستند. این در حالی است که مؤمنان تحت ولایت و سرپرستی خدا قرار دارند. و این ضعف بزرگی در دشمنان است که عامل شکست ایشان خواهد شد.

وَقَدْ مَكْرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ (ابراهیم: ۴۶)

گرچه مکر و نیرنگ آنان به حدی عظیم است که کوه‌ها را می‌لرزاند و لیکن خداوند نقشی آن‌ها را خوانده است و خدا پشتیبان شماست.

این آیه به عظمت مکر و نیرنگ دشمنان اشاره می‌کند که می‌تواند «لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ» (کوه‌ها را به لرزه درآورد)، اما تأکید می‌کند که «وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ»؛ یعنی این مکر در نزد خدا آشکار است و او بر آن احاطه دارد. اگرچه خداوند در ادامه آیه وعده دفع مکر را نمی‌دهد، اما نفس احاطه الهی بر مکر دشمنان، برای مؤمنان امیدبخش است؛ زیرا می‌دانند که هیچ نقشی‌ای از دید

خدا پنهان نیست و اوست که بهترین تدبیرکننده است. این به مؤمنان اطمینان می‌دهد که حتی اگر دشمن قوی و دارای نقشه‌های پیچیده باشد، خداوند می‌تواند آن‌ها را خنثی کند.

ذٰلِكَ بِأَنَّ اللّٰهَ مَوْلٰى الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا وَّأَنَّ الْكَافِرِيْنَ لَا مَوْلٰى لَهُمْ (محمد:

(۱۱)

این [پیروزی مؤمنان و نابودی کافران] به سبب این است که خدا سرپرست و یاور کسانی است که ایمان آورده‌اند، و کافران را سرپرست و یاری نیست.

این آیه بیان می‌کند که دلیل پیروزی مؤمنان و نابودی کافران، این است که خداوند سرپرست و ولی مؤمنان است، در حالی که کافران هیچ ولی و یآوری ندارند. این یک نقطه ضعف بنیادین برای دشمنان است. آن‌ها فاقد پشتیبانی الهی هستند و تنها به نیروهای مادی خود متکی‌اند. این آیه، به مؤمنان اطمینان خاطر می‌دهد که در نبرد، پشتیبان قدرتمندی به نام خداوند متعال دارند و در عوض دشمن از چنین پشتیبانی محروم است.

وَمَنْ يَهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ اَوْلِيَاءَ مِنْ دُوْنِهٖ

(اسراء: ۹۷)

و هر که را خدا هدایت کند، پس او هدایت یافته است، و آنان را که خدا [به کیفر لجاج‌بازی و عنادشان] گمراه سازد، هرگز در برابر خدا برای آنان یاورانی نخواهی یافت.

این آیه نیز تأکید می‌کند که کسانی که از هدایت الهی محروم شده‌اند (به دلیل عناد و لجاج‌بازی)، هرگز یآوری جز خدا نخواهند داشت. این بدان معناست که آن‌ها در مقابل قدرت الهی، کاملاً تنها و بی‌دفاع هستند. این فقدان ولی و یاور الهی، بزرگترین ضعف آن‌هاست.



## ه) اختلال محاسباتی

دشمنان به چند دلیل، دچار اشتباهات محاسباتی می‌شوند که این اشتباهات به عنوان یکی از نقاط ضعف مهم دشمن به شمار می‌رود و موجب شکست دشمن می‌شود. قرآن کریم به خوبی علت این اشتباهات محاسباتی را بیان می‌کند که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم.

### ۱. عدم فهم عمیق

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (انفال: ۶۵)

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز که اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می‌شوند، و اگر از شما صد نفر [صابر] باشند بر هزار نفر از کافران چیره می‌شوند؛ زیرا آنان گروهی هستند [که حقایق توحید و حالات ملکوتیه را] نمی‌فهمند.

دلیل برتری مؤمنان بر دشمنان در این آیه این است که «بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ»؛ یعنی کافران گروهی هستند که نمی‌فهمند. آن‌ها درک عمیقی از حقایق توحید، قدرت ایمان، و امدادهای غیبی الهی ندارند. فهم آنان محدود به مادیات و قدرت ظاهری است. این عدم فهم، موجب می‌شود که در محاسبات خود دچار اشتباه شوند و قدرت ایمان مؤمنان را دست کم بگیرند.

### ۲. اغترار به امکانات مادی

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (حشر: ۲)

اوست که کافران از اهل کتاب را در نخستین بیرون راندن دسته جمعی از خانه هایشان بیرون راند [شما اهل ایمان] رفتنشان را گمان نمی بردید، و خودشان پنداشتند که حصارها و دژهای استوارشان در برابر خدا [از تبعید و در به دری آنان] جلوگیری خواهد کرد ولی [اراده کوبنده ی] خدا از آنجا که گمان نمی کردند به سراغشان آمد و در دل هایشان رعب و ترس افکند به گونه ای که خانه هایشان را به دست خود و به دست مؤمنان ویران کردند پس ای صاحبان بینش و بصیرت! عبرت بگیرید.

این آیه به داستان اخراج یهودیان بنی نضیر اشاره دارد. آن ها به حصارهای مستحکم و دژهایشان مغرور بودند و گمان می کردند که این امکانات مادی آنها را در برابر اراده الهی حفظ خواهد کرد. اما «فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا»؛ خداوند از جایی که گمان نمی کردند، به سراغشان آمد و در دل هایشان رعب افکند. این اغترار به امکانات مادی و نادیده گرفتن قدرت الهی، موجب اشتباه محاسباتی و در نهایت شکست آنها شد.

### ۳. اغترار به وعده های شیطان و آرزوپردازی های او:

يَعِدُّهُمْ وَيُمْنِيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (نساء: ۱۲۰)

شیطان به آنان وعده ی [دروغ] می دهد، و در آرزوها [ی سرابوار] می اندازد، و جز وعده فریبنده به آنان نمی دهد.

وَإِذْ زَيْنٌ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ أَلْيَوْمَ مِنَ  
النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌّ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتْ الْفِئْتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَقَالَ  
إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ  
الْعِقَابِ (انفال: ۴۸)

و [یاد کنید] هنگامی را که شیطان اعمالشان را [که در راه دشمنی با  
پیامبر و لشکرکشی بر ضد اهل ایمان بود] در نظرشان آراست و گفت:  
امروز [به سبب جمعیت بسیار و آرایش جنگی شما] هیچ کس از مردمان  
[با ایمان] پیروز شونده بر شما نیست، و من پناه دهنده به شمایم، ولی  
زمانی که دو گروه [مؤمن و مشرک] با یکدیگر برخورد کردند، به عقب  
برگشت و پا به فرار گذاشت، و گفت: من از شما [یاران و پیروانم] بیزارم،  
من چیزی را [چون نزول فرشتگان] می بینم که شما نمی بینید، البته من  
از خدا می ترسم و خدا سخت کیفر است.

شیطان، عامل اصلی فریب دشمنان است. او به آنان وعده های  
دروغین می دهد و آن ها را به آرزوهای سرابوار می اندازد.

در جنگ بدر، شیطان اعمال مشرکان را برایشان آراست و به آن ها  
وعده پیروزی داد و گفت: «لَا غَالِبَ لَكُمْ أَلْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي  
جَارٌّ لَكُمْ» (هیچ کس بر شما پیروز نمی شود و من حامی شما  
هستم)، اما وقتی دو گروه به هم رسیدند، شیطان پا به فرار گذاشت  
و گفت: «إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ» (من  
از شما بیزارم، چیزی می بینم که شما نمی بینید و از خدا می ترسم)  
(انفال: ۴۸). این نشان می دهد که اتکا به وعده های شیطان،  
موجب اشتباه محاسباتی بزرگ برای دشمن و در نهایت شکست آنها  
می شود.

#### ۴. اختلال محاسباتی مستقیم از جانب خدا:

وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلاً وَيُقَلِّلُكُمْ فِي  
أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا<sup>۱</sup> وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ  
(انفال: ۴۴)

و [یاد کنید] هنگامی را که در جنگ بدر باهم بر خورد کردید، دشمن را در چشم شما اندک نشان داد، و شما را نیز در چشم آنان اندک نشان داد [اگر چه در گرمای جنگ، شما را در نظر آنان بسیار و آنان را در نظر شما اندک نشان داد] تا خدا پیروزی شما و شکست آنان را که [بر اساس اراده اش] انجام شدنی بود، تحقق دهد؛ و همه ی کارها به سوی خدا بازگردانده می شود.

این آیه همانطور که گفتیم به موضوع اندک نمایی اشاره می کند، اما با تمرکز بر اثرات آن بر محاسبات دشمن. خداوند نه تنها دشمن را در نظر مؤمنان کم جلوه داد، بلکه مؤمنان را نیز در نظر دشمنان کم جلوه داد تا آن ها به طمع افتند و وارد نبرد شوند، که سرانجامش شکست آن ها بود. این یک اختلال محاسباتی مستقیم از جانب خداوند است که به منظور تحقق امر الهی صورت می گیرد و نشان می دهد که حتی ادراکات دشمن نیز می تواند تحت تأثیر اراده الهی قرار گیرد.

**جہاد ہمہ جانبہ، تنہا راہ پیروزی**



## جهاد همه جانبه، تنها راه پیروزی

پیروزی در برابر دشمنان، چه در میدان نبرد و چه در عرصه‌های فکری و فرهنگی، همواره دغدغه‌ای مهم برای مسلمانان بوده است. قرآن کریم راهکاری روشن و قطعی برای دستیابی به این پیروزی ارائه می‌دهد: جهاد همه جانبه در راه خدا. این مفهوم، نه فقط به معنای قتال نظامی، بلکه به معنای اطاعت کامل از فرمان‌های الهی است که در رأس آنها، مقابله و مبارزه با دشمنان اسلام قرار دارد. در ادامه به بررسی سه آیه محوری در این زمینه می‌پردازیم که نصرت الهی را به جهاد و اطاعت مرتبط می‌سازند و آن را تنها مسیر غلبه بر دشمن معرفی می‌کنند.

### ۱. شرط نصرت الهی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُخْلِفَ بِأَقْدَامِكُمْ (محمد: ۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد.

این آیه شریفه یک قاعده کلی و تخلف‌ناپذیر را در عالم هستی و سنن الهی بیان می‌کند. "نصرت خدا" به معنای یاری رساندن به ذات بی‌نیاز او نیست، بلکه به معنای پیروی از اوامر و نواهی الهی و عمل به تکلیف الهی است.

## ۲. نصرت الهی، تضمین عدم شکست

إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (آل عمران: ۱۶۰)

اگر خدا شما را یاری کند، هیچ‌کس بر شما چیره نخواهد شد؛ و اگر شما را واگذارد، پس چه کسی بعد از او شما را یاری می‌کند؟ و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.

این آیه، مکمل آیه قبلی است و نتیجه مستقیم نصرت الهی را بیان می‌کند. عبارت "فَلَا غَالِبَ لَكُمْ" به معنای "هیچ غالبی برای شما نیست"، اوج اطمینان و قطعیت را در وعده الهی به تصویر می‌کشد. این یعنی اگر خداوند کسی یا گروهی را یاری کند، هیچ قدرتی، هرچند بزرگ و مجهز، توانایی غلبه بر او را نخواهد داشت. این غلبه، شامل شکست نظامی، فکری، فرهنگی و هر نوع دیگری از تسلط دشمن می‌شود.

## ۳. جهاد تمام‌عیار، نشانه اطاعت کامل

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ (حج: ۷۸)



و در راه خدا، آن گونه که شایسته جهاد اوست، جهاد کنید. او شما را برگزید و در دین برای شما هیچ سختی و تنگنایی قرار نداد. آیین پدرتان ابراهیم؛ او شما را از پیش مسلمان نامید و در این [قرآن نیز] تا پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید. پس نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و به خدا جنگ زنید؛ او سرپرست شماست؛ پس چه نیکو سرپرست و چه نیکو یاور است.

این آیه، مسلمانان را به یک جهاد همه جانبه و تمام عیار دعوت می کند. و این تنها به معنای نبرد نظامی نیست، بلکه شامل هر نوع تلاش و فداکاری در راه اعتلای دین خدا و مبارزه با باطل در تمام ابعاد زندگی است.

**نتیجه گیری:** با بررسی این سه آیه کلیدی، می توان به این نتیجه قاطع رسید که از منظر قرآن کریم، نصرت الهی تنها راه پیروزی و غلبه بر دشمنان است. این نصرت نیز مشروط به نصرت خدا توسط مؤمنان است. نصرت خدا به معنای اطاعت محض از فرمان های الهی است، که در رأس آنها جهاد قرار دارد. جهادی که نه تنها به معنای نبرد نظامی، بلکه یک تکلیف همه جانبه و تمام عیار است که شامل مبارزه با نفس، جهاد فکری و فرهنگی، جهاد اقتصادی، و جهاد نظامی می شود.

اگر مسلمانان به این جهاد فراگیر، با نیت خالص و با تمام توان خود اقدام کنند و در این مسیر استقامت ورزند، وعده الهی مبنی بر نصرت قطعی، محقق خواهد شد و هیچ قدرتی توانایی غلبه بر آنان را نخواهد داشت. در واقع، جهاد، تجلی عملی اطاعت از خداست و اطاعت از خدا، کلید نصرت و پیروزی نهایی است. بدون این جهاد، راهی برای غلبه بر دشمن و حفظ عزت جامعه اسلامی متصور نیست.



**مصادیق جهاد همه جانبه  
و تأثیر آن بر پیروزی**



## مصادیق جهاد همه‌جانبه و تأثیر آن در پیروزی

جهاد همه‌جانبه در اسلام، تنها به معنای نبرد نظامی نیست؛ بلکه تلاشی فراگیر و مستمر در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی است که هدف آن، اعتلای کلمة الله و استقرار عدالت در زمین است. این جهاد شامل ابعاد قلبی، فکری، اقتصادی، فرهنگی و نظامی می‌شود و هر یک از این ابعاد، تأثیر بسزایی در تحقق پیروزی نهایی دارند. در ادامه، تحت عنوان دو سر فصل به بیان ابعاد جهاد قلبی و جهاد عملی و تأثیرات آن بر پیروزی می‌پردازیم.

### ۱. جهاد قلبی

جهاد قلبی، بنیادی‌ترین نوع جهاد است که تمامی ابعاد دیگر جهاد را تغذیه می‌کند. استحکام قلب و روح، اولین گام برای مقاومت و پیروزی در برابر هر نوع دشمنی است. قرآن کریم به ابعاد مختلف این نوع از جهاد در مواجهه با دشمن پرداخته است که در ادامه به بعضی از آن عناوین می‌پردازیم.

#### الف) ایمان

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۳۹)

و [در انجام فرمان‌های حق و در جهاد با دشمن] سستی نکنید و [از پیش آمدها و حوادث و سختی‌هایی که به شما می‌رسد] اندوهگین مشوید که شما اگر مؤمن باشید، برترید.

این آیه به صراحت شرط پیروزی در مقابل دشمنان را ایمان برمی‌شمرد و دست برتر در مقابل دشمن را از آن مؤمنان می‌داند. و علاوه بر این به نوعی وظیفه ایمانی ایشان در عرصه جهاد را نیز معین می‌کند. یعنی هر مسلمانی در هنگام جنگ موظف به تقویت ایمان خود است.

### (ب) یاد خدا و ثابت قدم بودن

یاد و ذکر مداوم خداوند، آرامش‌بخش دل‌ها و عامل پایداری در برابر سختی‌هاست.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (انفال: ۴۵)

ای اهل ایمان! هنگامی که [در میدان نبرد] با گروهی [از مشرکان و کافران] برخورد کردید، ایستادگی نمایید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید.

این آیه به اهمیت ثبات و پایداری در میدان نبرد و ذکر کثیر خداوند اشاره دارد. و در حقیقت یکی از وظایفی که در عرصه جهاد برای مؤمنان ترسیم می‌کند یاد خدا به همراه ثبات قدم است. در لحظات حساس نبرد که ترس و اضطراب بر انسان غلبه می‌کند، یاد خدا موجب آرامش قلب و تقویت روحیه می‌شود. ذکر خدا، نه تنها یک عمل عبادی، بلکه یک تاکتیک روانی است که انسان را در برابر فشارها مقاوم می‌سازد. تأثیر آن در پیروزی این است که ذکر خدا، عامل اصلی رستگاری و فلاح است. یاد دائمی خدا، اتصال به منبع

قدرت بی پایان الهی را فراهم می کند و مؤمن را در برابر هرگونه هراس و تزلزل مصون می دارد، که این خود عاملی قوی برای غلبه بر دشمن است.

### ج) تقوا و صبر در برابر مصائب جنگ و استقامت

تقوا و صبر، دو بال برای پرواز به سوی پیروزی هستند. تقوا موجب می شود انسان در راه حق ثابت قدم بماند و صبر او را در برابر مشکلات مقاوم می سازد.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (انفال: ۶۵)

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز که اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می شوند، و اگر از شما صد نفر [صابر] باشند بر هزار نفر از کافران چیره می شوند؛ زیرا آنان گروهی هستند [که حقایق توحید و حالات ملکوتیه را] نمی فهمند.

أَلَنْ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ يَا ذُنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (انفال: ۶۶)

اکنون خدا به شما تخفیف داد و معلوم داشت که در شما ضعفی هست؛ بنابراین اگر از شما صد نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می شوند، و اگر هزار نفر [صابر] باشند، به فرمان خدا بر دو هزار نفر چیره می شوند؛ و خدا با صابران است.

این دو آیه به طور مستقیم به نسبت قدرت مؤمنان صابر در برابر کافران اشاره دارند. در ادامه تأکید شده است که خداوند با صابران است (وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ). صبر در اینجا به معنای تحمل سختی ها، استقامت در برابر دشمن و عدم فرار از میدان نبرد است. تأثیر آن در پیروزی این است که صبر و

استقامت، ضریب قدرت نظامی مؤمنان را به شدت افزایش می‌دهد و آن‌ها را قادر می‌سازد با وجود تعداد کمتر، بر دشمن فائق آیند. این آیات، اهمیت فوق‌العاده پایداری روحی و معنوی را در تعیین سرنوشت جنگ‌ها نشان می‌دهند.

إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَضُرُّوْا وَتَنْفُقُوا لَا يُضْرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (آل عمران: ۱۲۰)

اگر به شما خیر و خوشی [و پیروزی و غنیمت] رسد، آنان را بدحال [و دلتنگ] می‌کند، و اگر بدی و ناخوشی [و حادثه‌ی تلخی] رسد به سبب آن خوشحال می‌شوند؛ و اگر شکیبایی و ورزید و پرهیزکاری کنید، نیرنگشان هیچ زبانی به شما نمی‌رساند؛ مسلماً خدا به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد.

در این آیه برای مؤمنان بیان می‌شود که اگر صبر و تقوا داشته باشند، «لَا يُضْرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا» نیرنگ منافقان هیچ زبانی به آن‌ها نمی‌رساند. این آیه نشان می‌دهد که نیرنگ‌های منافقان با صبر و تقوا خنثی می‌شود.

#### د) اعتماد به وعده‌های الهی

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (آل عمران: ۹)

پروردگارا! تو مردم را، برای روزی که تردیدی در آن نیست، جمع خواهی کرد؛ زیرا خداوند، از وعده خود، تخلف نمی‌کند. [ما به تو و رحمت بی‌پایانت، و به وعده رستاخیز و قیامت ایمان داریم.]

این آیه اگرچه مستقیماً به جهاد نظامی اشاره ندارد، اما بنیان فکری اعتماد به وعده‌های الهی را بنا می‌نهد. عبارت «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»



(خداوند هرگز از وعده خود تخلف نمی‌کند) یک اصل کلی است که شامل وعده‌های پیروزی در جهاد نیز می‌شود. وقتی مؤمنان به این حقیقت ایمان داشته باشند که خداوند وعده‌هایش را محقق می‌کند، با اطمینان قلبی به جهاد می‌پردازند. تأثیر آن در پیروزی این است که اعتماد به وعده‌های الهی، بالاترین سطح اطمینان قلبی را برای مؤمن ایجاد می‌کند و او را از هرگونه تردید و تزلزل در مبارزه دور می‌سازد.

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمِ اللَّهِ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ ۚ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه: ۱۱۱)

خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده، که [در برابرش] بهشت برای آنان باشد؛ [به این گونه که:] در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند؛ این وعده حقیقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده؛ و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید؛ و این است آن پیروزی بزرگ.

این آیه بزرگترین وعده‌ی الهی در باب جهاد را بیان می‌کند: معامله‌ی جان و مال مؤمنان با بهشت. این وعده، در تمامی کتب آسمانی ذکر شده و خداوند تأکید می‌کند که «وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ» (چه کسی به عهد خود وفادارتر از خداست؟). این وعده، مؤمن را از ترس مرگ آزاد می‌سازد و برای او بالاترین انگیزه را برای جهاد فراهم می‌آورد و شجاعت بی‌نظیری به مجاهد می‌دهد. وقتی مرگ در راه خدا، فوز عظیم (پیروزی بزرگ) تلقی شود، هیچ چیز نمی‌تواند مانع جهاد شود.

## ه) توکل

توکل به معنای اعتماد کامل به خداوند و واگذاری امور به او پس از تلاش و کوشش است.

إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (آل عمران: ۱۶۰)

اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما چیره و غالب نخواهد شد، و اگر شما را واگذارد، چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد داد؟ و مؤمنان باید فقط بر خدا توکل کنند.

این آیه، محوریت نصرت الهی را در پیروزی نشان می‌دهد. اگر خدا یاری کند، هیچ قدرتی بر مؤمنان غلبه نخواهد کرد؛ و اگر خدا یاری نکند، هیچ کس نمی‌تواند آن‌ها را یاری دهد. بنابراین، نتیجه‌گیری این است که مؤمنان باید فقط بر خدا توکل کنند. تأثیر آن در پیروزی این است که توکل، عامل اصلی نصرت الهی است. با توکل، مؤمن از اضطراب‌های ناشی از ضعف امکانات ظاهری رها شده و با اطمینان قلبی به مبارزه می‌پردازد، زیرا می‌داند که پیروزی واقعی از جانب خداست. علاوه بر این مؤمن در بخشی از محاسبات خود باید اعتماد به خدا را اضافه کند تا دچار اشتباه و اختلال محاسباتی نشود، حتی اگر به ظاهر امکانات فراوانی داشته باشد.

قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (توبه: ۵۱)

بگو: هرگز به ما جز آنچه خدا لازم و مقرر کرده، نخواهد رسید، او سرپرست و یار ماست و مؤمنان فقط باید بر خدا توکل کنند.

این آیه نیز تأکید می‌کند که هر اتفاقی که برای مؤمن می‌افتد، به فرمان خداست و این باور، ریشه اصلی توکل است. پس در حقیقت خداوند متعال به مؤمنان دلیل لزوم توکل بر خدا را نیز در این آیه بیان کرده است. در نهایت این وظیفه را برای مؤمنان ترسیم می‌کند که باید در مقابل دشمن توکل بر خداوند داشت.

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (انفال: ۴۹)

و [یاد کنید] هنگامی را که منافقان و آنان که در دل‌هایشان بیماری [شک و تردید نسبت به حقایق] است، می‌گفتند: مؤمنان را دینشان [با این جمعیت اندک و اسلحه ناچیز برای شرکت در میدان نبرد] فریفت، و [آنان باور نمی‌کردند که] هر کس بر خدا توکل کند [بی‌ترید پیروز می‌شود]؛ زیرا خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.

این آیه به سخنان منافقان اشاره دارد که مؤمنان را به دلیل اتکایشان به دین و ایمانشان، فریب‌خورده می‌دانستند. اما پاسخ الهی روشن است: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (هر کس بر خدا توکل کند، خدا عزیز و حکیم است). یعنی خداوند متعال به صراحت بیان می‌کند که عزتمند است و پیروزی و عزت از برای کسانی است که بر او توکل کنند. پس در حقیقت هم کار مؤمنان درست است که بر خدا توکل می‌کنند و این نوعی عمل به وظیفه است و هم راه پیروزی را در مقابل ایشان باز می‌کند.

### و) اعتقاد به کفایت خدا و مؤمنین برای پیروزی

همانطور که در آیاتی که در ادامه خواهد آمد بیان شده است، ایمان به اینکه خداوند و مؤمنان واقعی برای پیروزی کافی هستند، نقشی راهبردی در

پیروزی مؤمنان ایفا می‌کند و همینطور مورد سفارش خدای متعال در مقابل دشمنان اسلام است.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (انفال: ۶۴)

ای پیامبر! خدا و مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند [از نظر حمایت و پشتیبانی] برای تو بس است.

این آیه به پیامبر (صلی الله علیه و آله) اطمینان می‌دهد که خداوند و مؤمنان راستین، برای حمایت و پشتیبانی او کافی هستند. این کفایت، فراتر از عدد و غده ظاهری است. و در حقیقت به مؤمنین دستور می‌دهد که از خداوند و مؤمنان را کافی بدانند و این از وظایف مهم آنهاست و علاوه بر آن این خود رمزی برای ادامه مبارزه و پیروزی نهایی است.

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (آل عمران: ۱۷۳)

این‌ها کسانی بودند که [بعضی از] مردم، به آنان گفتند: «مردم [= لشکر دشمن] برای [حمله به] شما اجتماع کرده‌اند؛ از آن‌ها بترسید!» اما این سخن، بر ایمانشان افزود؛ و گفتند: «خدا ما را کافی است؛ و او بهترین حامی ماست.»

این آیه به روشنی تأثیر اعتقاد به کفایت خداوند متعال را در خنثی‌سازی جنگ روانی منافقان، بیان می‌دارد. این آیه شریفه به رویدادی پس از جنگ احد اشاره دارد که منافقان تلاش کردند مؤمنان را از رویارویی با دشمن بترسانند. اما مؤمنان با پاسخ «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (خدا ما را کافی است و او بهترین حامی است) با هراسی که منافقان می‌خواستند به دلشان بیندازند مقابله کردند. این جمله، نشان دهنده اوج اعتقاد به کفایت الهی در آنهاست.

در نتیجه در صورت کافی دانستن خداوند، تهدیدات دشمن و شایعات آنها نه تنها تأثیری ندارد، بلکه ایمان مؤمنان را تقویت می کند.

**ز) سست نشدن و تسلیم نشدن در مقابل تحمیل دشمن (چه جنگ**

**باشد چه صلح)**

پایداری و سست نشدن، از مصادیق مهم جهاد قلبی است.

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَبْرِكَنَّ  
أَعْمَالَكُمْ (محمد: ۳۵)

پس [با توجه به یاری و کارسازی خدا] سست نشوید و [کافران و مشرکان را] به  
آشتی و صلحی [که برای شما خفّت بار است] دعوت نکنید، در حالی که شما برتر  
هستید و خدا با شماست و هرگز از [ثواب و پاداش] اعمالتان نمی کاهد.

این آیه مؤمنان را از سستی و دعوت به صلح از موضع ضعف برحذر  
می دارد، و دلیل آن را هم به این صورت بیان می فرماید که دست برتر با  
شماست و این برتری به دلیل حمایت الهی است. پس این هم یکی دیگر از  
وظایف مؤمنان در هنگامه رویارویی با دشمنان است.

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۳۹)

و [در انجام فرمان های حق و در جهاد با دشمن] سستی نکنید و [از پیش آمدها  
و حوادث و سختی هایی که به شما می رسد] اندوهگین مشوید که شما اگر مؤمن  
باشید، برترید.

وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ  
وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (نساء: ۱۰۴)

و در تعقیب و جستجوی دشمن سستی نکنید اگر شما [در رویارویی با دشمن] درد و رنج می بینید، آنان نیز چون شما درد و رنج می بینند، و شما چیزی را [چون پیروزی و پاداش] از خدا امید دارید که آنان امید ندارند؛ و خدا همواره دانا و حکیم است.

این آیات نیز بر عدم سستی و عدم تزلزل در تعقیب دشمن تأکید می کنند. و به صراحت برای مؤمنان تعیین تکلیف می کنند.

**راهکار: اندیشیدن به آسیب پذیری دشمنان و بی بهرگی آنها از یاری و پاداش خداوند**

وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلُمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلُمُونَ كَمَا تَأْلُمُونَ  
وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (نساء: ۱۰۴)

و در تعقیب و جستجوی دشمن سستی نکنید اگر شما [در رویارویی با دشمن] درد و رنج می بینید، آنان نیز چون شما درد و رنج می بینند، و شما چیزی را [چون پیروزی و پاداش] از خدا امید دارید که آنان امید ندارند؛ و خدا همواره دانا و حکیم است.

این آیه، اولاً مؤمنان را رهنمون به درد کشیدن دشمن می کند که خود امیدافزاست و راهگشای برای غلبه بر دشمن و محاسبه درست از میدان جنگ، و ثانیاً به مؤمنان یادآوری می کند که آنها این امیدی که مؤمنان به یاری و پاداش خداوند دارند را ندارند و نمی توانند آن درد کشیدن را با مرهمی درمان کنند. پس در نتیجه این که مؤمنان بدانند آنها نیز آسیب پذیر هستند و علاوه بر آن، از این آسیب ها پناهی مثل امید به نصرت و ثواب الهی ندارند، دل های مؤمنان را محکم می کند و از سستی در مقابل دشمن جلوگیری می کند.

### ح) نترسیدن از دشمنان داخلی و خارجی

ترس از دشمن، چه در داخل جامعه اسلامی و چه در خارج از آن، از موانع بزرگ پیروزی است. قرآن به مؤمنان فرمان می‌دهد که تنها از خدا بترسند.

فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي ۚ وَالْأُتَمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (بقرة: ١٧٨)

(15.

بنابر این از آنان نترسید و از من بترسید، و [تغییر قبله] برای آن است که نعمتم را بر شما کامل کنم تا [به احکام و سنن الهی] هدایت شوید.

این آیه به صراحت فرمان می‌دهد که «فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي» (از آن‌ها نترسید و تنها از من بترسید). این اصل، بنیاد شجاعت و عدم هراس از هیچ قدرتی جز خداوند است. و مشخص‌کنندهٔ وظیفه‌ای دیگر در مقابله با دشمنان در بیان خداوند متعال است.

الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ (مائده: ٣)

امروز کفرپیشگان از [شکست] دین شما ناامید شده‌اند؛ بنابراین از آنان مترسید و از من بترسید.

این آیه، به دنبال اکمال دین، به ناامیدی کافران از شکست اسلام اشاره دارد و صریحا فرمان می‌دهد که «فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاَحْسِنُوا» (از آن‌ها مترسید و از من بترسید).

يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ  
مَنْ يَشَاءُ (مائده: ٥٤)

همواره در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نمی‌ترسند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد می‌دهد.

این آیه پس از بیان این که اگر عده ای از مسلمانان از دین رویگردان شوند به خداوند متعال زبانی نمی رسد و مؤمنینی را جایگزین آنها خواهد کرد به بیان ویژگی های شاخص آنها می پردازد و یکی از ویژگی های بارز آنها را به این صورت بیان می کند: «وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نمی ترسند). این خود گواهی آشکار است بر این که این ویژگی از لوازم مقابله با دشمن است و به نوعی وظیفه هر مؤمنی است و در پایان اضافه می کند که این موهبتی الهی و فضلی از جانب خدای متعال است و او به هر کس که صلاح بداند این را اعطاء خواهد کرد که این نیز نشان می دهد در نهایت ترسیدن از دشمن ویژگی ای است انسان با ایجاد شایستگی در خود می تواند از جانب فضل الهی برای خود جلب کند. البته در این آیه به صورت خاص به ترسیدن از سرزنش دشمنان اشاره شده است که خود مصداقی از مصادیق سلاح ترسیدن در مقابل دشمنان است. و شاهد خوبی برای این است که تنها مصداق این وظیفه، ترسیدن در مقابل دشمن خارجی نیست بلکه فراتر از آن است و از دشمنان داخلی و در حقیقت جنگ روانی از طریق منافقین هم نباید ترسید و این هم جز وظایف مؤمنان در عرصه مجاهدت است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ  
(انفال: ۱۵)

ای اهل ایمان! هنگامی که با کافران در حالی که بر ضد شما لشکرکشی می کنند روبرو می شوید، به آنان پشت نکنید [و نگریزید].

این آیه نیز بر عدم فرار از میدان نبرد تأکید دارد که ریشه در ترسیدن از دشمن دارد. و به صراحت خداوند متعال از فرار در جنگ رو در رو که ریشه در ترسیدن از دشمن دارد نهی می فرماید. پس این آیه هم به نحوی دستور به



شجاعت و نترسیدن در مقابل دشمن می‌دهد. البته می‌توان گفت اگر احساس ترس هم در مؤمنین به وجود آمد خداوند متعال به نحوی دستور مقابله با آن را صادر فرموده است و نباید به آن ترس ترتیب اثر بدهند و باید مقاومت به خرج دهند.

### راهکار: یاد خدا.

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ  
(رعد: ۲۸)

[بازگشتگان به سوی خدا] کسانی [هستند] که ایمان آوردند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه باشید! دل‌ها فقط به یاد خدا آرام می‌گیرد.

این آیه راهکاری برای غلبه بر ترس و اضطراب ارائه می‌دهد؛ ذکر خدا. و ای بسا تنها راهکار صحیح و درست نترسیدن که ناشی از حماقت نباشد را برای مؤمنین ترسیم می‌کند و آن هم فقط و فقط یاد خداوند متعال است.

### ط) مغرور نشدن به امکانات

غرور به امکانات مادی، آفتی است که می‌تواند منجر به شکست شود، حتی اگر در ابتدا برتری عددی و تجهیزاتی وجود داشته باشد.

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ  
(توبه: ۲۵)

بی‌تردید خدا شما را در جبهه‌های زیاد و عرصه‌های بسیار یاری کرد و [به ویژه] روز [نبرد] حنین، آن زمان که فزونی افرادتان شما را مغرور و شگفت‌زده کرد، ولی

[فزونی عدد] چیزی از خطر را از شما برطرف نکرد، و زمین با همه‌ی وسعت و فراخی‌اش بر شما تنگ شد، سپس پشت به دشمن از عرصه‌ی نبرد گریختید.

این آیه به نمونه‌ی بارز غرور به کثرت عدد در جنگ حنین اشاره دارد. مسلمانان در این جنگ، با وجود تعداد زیاد، به دلیل غرور و خودپسندی (إِدُّ أَعْجَبْتُكُمْ كَثْرَتُكُمْ)، ابتدا با شکست روبرو شدند. این آیه با یادآوری آن سرنوشت عبرت آموز در صدد بیان این است که مؤمنین به هیچ وجه نباید به امکانات ظاهری مادی مغرور و فریفته بشوند گرچه خود فراهم آوردن امکانات مادی جزو وظایف قطعی بیان شده در قرآن کریم است و سبب ترس دشمن و جلب کننده نصرت الهی است به عنوان یک تکلیف در عرصه جهاد؛ اما نگاه مؤمنان نباید به این امکانات به عنوان یک سبب مستقل باشد بلکه باید آن را تکلیفی از تکالیف بدانند و پیروزی و نصرت را فقط از جانب خداوند متعال بدانند. پس این نیز به عنوان یکی دیگر از مصادیق وظایف قلبی مؤمنین در جهاد با دشمنان است.

## ۲. جهاد عملی

قرآن کریم علاوه بر رهنمودها و وظایف قلبی لازم در عرصه جهاد، به تبیین سرفصل‌های وظایف مؤمنانه در عرصه جهاد نیز پرداخته است، که در ادامه به تفصیل، بعضی از این وظایف را بیان می‌کنیم.

### الف) انجام هر کاری که موجب عصبانیت دشمن بشود

از آیات قرآن استفاده می‌شود که هر عملی که دشمنان را به خشم آورد، مطلوب و در بسیاری از موارد، تعیین‌کننده وظیفه است. این یک اصل روان‌شناخت و عملیاتی مهم در مبارزه است که دشمن را کلافه می‌سازد و در محاسبات او اختلال ایجاد می‌کند.

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ۚ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نِيلاً إِلَّا كَتَبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (توبه: ۱۲۰)

شایسته نیست که اهل مدینه و بادیه نشینانی که پیرامون آنانند، از رسول خدا تخلف کنند؛ و آنان را نسزد که به سبب پرداختن به خویش از حفظ جان او [در شدايد و سختی‌ها] دریغ ورزند؛ زیرا هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد، و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می‌آورد، قدم نمی‌گذارند، و از هیچ دشمنی انتقام نمی‌گیرند [و با نبرد با او به کام دل نمی‌رسند] مگر آنکه به پاداش هر يك از آنان عمل شایسته‌ای در پرونده آنان ثبت می‌شود؛ چرا که خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

این آیه به صراحت بیان می‌کند که هر قدمی که مجاهدان در راه خدا برمی‌دارند و هر رنج و گرسنگی که متحمل می‌شوند، یا هر جایی که قدم می‌گذارند و موجب خشم و غیظ کفار شود، برایشان حسنه و عمل صالح نوشته می‌شود. این نشان می‌دهد که عصبانیت دشمن معیار مثبتی برای درستی عمل مؤمنان است و چه بسا در بسیاری از موارد مصداق دقیق در عرصه جهاد را معین می‌کند.

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ۚ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سَجِدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ۚ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ ۚ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْقِهِ ۖ يُجِيبُ الْزَّاعِ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ ۚ

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (فتح: ۲۹)

محمّد، فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر مهربانند، همواره آنان را در رکوع و سجود می بینی که پیوسته فضل و خشنودی خدا را می طلبند؛ نشانه آنان در چهره شان از اثر سجود پیداست، این است توصیف آنان در تورات، و اما توصیفشان در انجیل این است که وجودشان چون زراعتی است که جوانه های خود را رویانده پس تقویتش کرده تا ستبر و ضخیم شده، و در نتیجه بر ساقه هایش [محکم و استوار] ایستاده است، به طوری که دهقانان را [از رشد و انبوهی خود] به تعجب می آورد تا خدا به وسیله [انبوهی و نیرومندی] مؤمنان، کافران را به خشم آورد [و] خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است.

این آیه، یکی از ویژگی های بارز یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) را سرسختی و شدت در برابر کفار معرفی می کند، تا حدی که وجود و قدرت آنها موجب خشم کفار می شود. و خداوند این را از اهداف خود معرفی می کند که با وجود مؤمنین و انبوهی آنان می خواهد دشمنان را به خشم آورد. این آیه به صراحت طرح خداوند متعال را روشن می سازد که به دنبال عصبانی کردن دشمنان است و مؤمنان نیز باید وظیفه خود را در این عرصه به خوبی انجام دهند.

### ب) ایجاد و حفظ آمادگی همه‌جانبه

پیروزی تنها با توکل بر خدا به دست نمی آید؛ بلکه نیازمند تلاش و آمادگی عملی مؤمنان نیز هست.

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (انفال: ۶۰)

و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرت و ساز و برگ جنگی] و اسبان ورزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی شناسید، ولی خدا آنان را می شناسد بترسانید و هر چه در راه خدا هزینه کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می شود، و مورد ستم قرار نخواهید گرفت.

این آیه یک دستور صریح به آمادگی حداکثری نظامی و لجستیکی است. مؤمنان باید تمام توان خود را در آماده سازی تجهیزات و نیروی انسانی به کار گیرند.

کلمه "قوة" شامل هر نوع قدرتی می شود؛ از قدرت نظامی و تسلیحات پیشرفته گرفته تا قدرت اقتصادی، فرهنگی و علمی. پس این نیز وظیفه ای دیگر در عرصه جهاد با دشمنان است و شامل هر گونه فعالیت پیشگیرانه در جهت قدرت مقابله می شود. در انتها به ثمره این آمادگی نیز اشاره شده است که ارباب و ترساندن دشمنان است که این خود می تواند بسیاری از حملات آنها را دفع کند و از حملات آنها جلوگیری کند و البته پر واضح است که در هنگامه جهاد نیز به کار مؤمنان می آید، چون در هنگامه نبرد دیگر فرصت برای این آمادگی همه جانبه وجود ندارد و قطعا مؤمنان از این ناحیه ضربه خواهند دید. پس تأثیر این شاخصه در پیروزی نهایی از این جهت بسیار روشن است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ اَنْفِرُوا جَمِيعاً (نساء: ۷۱)

ای اهل ایمان! [در برابر دشمن مهیا و آماده باشید و] سلاح‌ها و ساز و برگ جنگی خود را بگیرید، پس گروه گروه یا دسته جمعی [به سوی جنگ با دشمن] کوچ کنید.

در این آیه «خذوا حذرکم» به معنای هوشیاری و آمادگی دائم در برابر دشمن است. این آمادگی هم شامل آمادگی فردی می شود (به لحاظ روحی و جسمی) و هم آمادگی جمعی (تجهیزات و سازماندهی) که از این جهت بیان کننده وظیفه‌ای دیگر از وظایف مؤمنان در عرصه جهاد با دشمنان است.

### ج) ترساندن دشمن

یکی دیگر از مصادیق کنشی در عرصه جهاد که ذیل مباحث گذشته به آن اشاره شد ترساندن دشمنان است که البته اختصاصی به حفظ آمادگی همه جانبه ندارد و خود می تواند به عنوان یک وظیفه مجزا تعریف شود.

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (انفال: ۶۰)

و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرات و ساز و برگ جنگی] و اسبان ورزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی شناسید، ولی خدا آنان را می شناسد بترسانید و هر چه در راه خدا هزینه کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می شود، و مورد ستم قرار نخواهید گرفت.

این آیه به صراحت هدف از آماده سازی را ترساندن دشمنان می داند ولی همانطور که اشاره شد اختصاصی به این مورد نداشته و این هدف به عنوان یک وظیفه مستقل هر کنشی را که منجر به آن شود، می تواند به یک وظیفه بدل کند.

## (د) حفظ اتحاد

وحدت و همبستگی درونی، از مهمترین عوامل پیروزی بر دشمن و بقای جامعهٔ ایمانی است. که البته اختصاصی به عرصهٔ جهاد با دشمنان ندارد اما در موقعیت جهاد به وظیفه‌ای ویژه بدل می‌شود. چرا که همانطور که روشن است یکی از شیوه‌های مهم دشمنی، تفرقه افکنی است و حتی در صورت عدم تفرقه افکنی از ناحیهٔ دشمن، یکی از عوامل قطعی شکست در مقابل دشمن اختلاف داخلی است.

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل عمران: ۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اهل بیت علیهم السلام] چنگ زنید، و پراکنده و گروه گروه نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که [پیش از بعثت پیامبر و نزول قرآن] با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل های شما پیوند و الفت برقرار کرد، در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید، و بر لب گودالی از آتش بودید، ولی شما را از آن نجات داد؛ خدا این گونه، نشانه های [قدرت، لطف و رحمت] خود را برای شما روشن می سازد تا هدایت شوید

این آیه، تأکید بر اتحاد و عدم تفرقه دارد. که البته این آیه اختصاصی به باب جهاد ندارد. اما یک دستور راهبردی است که جامعهٔ مؤمنین را از بسیاری از خطرات مصون می‌دارد.

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (انفال: ۴۶)

و از خدا و پیامبرش فرمان برید، و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید، که سست و بد دل می‌شوید، و قدرت و شوکتتان از میان می‌رود؛ و شکیبایی ورزید؛ زیرا خدا با شکیبایان است.

این آیه علاوه بر دستور به حفظ وحدت به آثار مخرب نزاع و اختلاف اشاره دارد: ضعف و سستی، و از بین رفتن قدرت و شوکت (ریح). "ذهاب ریح" به معنای از دست دادن قدرت و نفوذ و هیبت است. بنابراین، پس در نتیجه، اتحاد کلید حفظ قدرت و پیروزی است. این آیه در کنار دستورات دیگر مربوط به جهاد به حسب ظاهر تأکید کننده این وظیفه همیشگی به طور خاص در میدان مقابله با دشمن است.

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا فَسِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأُمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا أَرْكَمَ مَا تُجِبُونَ ۖ مِنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ۖ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ ۖ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ ۖ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۵۲)

و یقیناً خدا وعده‌اش را [در جنگ احد] برای شما تحقق داد، آن گاه که دشمنان را به فرمان او تا مرز ریشه‌کن شدنشان می‌کشتید، تا زمانی که سست شدید و در کار [جنگ و غنیمت و حفظ سنگری که محل رخنه دشمن بود] به نزاع و ستیز برخاستید، و پس از آن که [در شروع جنگ] آن چه را از پیروزی و غنیمت دوست داشتید، به شما نشان داد [از فرمان پیامبر در رابطه با حفظ سنگر] سرپیچی کردید، برخی از شما دنیا را می‌خواست و برخی از شما خواهان آخرت بود، سپس برای آن که شما را امتحان کند از [پیروزی بر] آنان بازداشت و از شما درگذشت؛ و خدا بر مؤمنان دارای فضل است.

این آیه به تجربه تلخ جنگ احد اشاره دارد که مسلمانان به دلیل اختلاف در امر (بر سر غنیمت) و نافرمانی از دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله)، با وجود پیروزی اولیه، شکست خوردند. این یک درس تاریخی است که تفرقه و نافرمانی، حتی با وجود فعالیت‌های دیگر جهادی و حتی حضور در میدان



جنگ سخت، می‌تواند منجر به شکست شود. و از آیه به روشنی مشخص می‌شود که حفظ وحدت یکی از ارکان وظایف کنشی در هنگام مجاهدت با دشمن است.

#### ه) تعاون و همکاری (در مسئولیت‌هایی که به تناسب جنگ ایجاد

می‌شود)

روحیه همکاری و همیاری در تمام شئون زندگی، به‌ویژه در مواقع حساس، از ارکان جامعه ایمانی است. و گرچه که به صورت مشخص وظیفه‌ای در هنگام نبرد با دشمنان در این رابطه بیان نشده است اما به صورت کلی، تعاون یکی از دستورات الهی است و تحت شرایط حساس نبرد با دشمن، اهمیت بسیار بالایی پیدا می‌کند.

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ (مائده: ۲)

و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید، و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید.

این آیه به نحو کلی این وظیفه را در هر کار نیکی برای مؤمنان مشخص می‌کند. و یکی از مهم‌ترین مصادیق برّ، جهاد با دشمنان خداست که به روشنی از این آیه می‌توان استفاده نمود.

#### و) جهاد مالی

جهاد مالی، حمایت اقتصادی از مبارزه و رزمندگان است و در کنار جهاد جانی، از اهمیت بالایی برخوردار است.

أَنْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (توبه: ۴۱)

با شتاب با تجهیزات سبک و سنگین [و سواره، پیاده، پیر و جوان به سوی میدان نبرد] بیرون روید، و با اموال و جان هایتان در راه خدا جهاد کنید که اگر دانا [بی به حقایق] باشید این برای شما بهتر است

در این آیه به صراحت به مؤمنین دستور جهاد مالی داده شده است و این را در عرصه جهاد با دشمن یکی از وظایف قطعی و حتمی به شمار آورده است. و البته در آیاتی که درباره فضیلت جهاد گذشت جایگاه خاصی برای این وظیفه در جلب رضایت و رحمت الهی ذکر شده است و خداوند متعال از مجاهدان در این عرصه به طور خاص ستایش فرموده است و ایشان را صاحب درجات بزرگ برشمرده است که خود به آنها عطا نموده.

### ز) محبت به یکدیگر

محبت، مهربانی و ارتباط مستحکم درونی میان مؤمنان، نیرویی عظیم در برابر دشمنان ایجاد می کند. و البته این وظیفه در هنگامه جنگ بسیار مهم تر و حساس تر است، خصوصاً که در هنگام جنگ به همه کمک می کند تا در برابر سختی ها و مشقت های جنگ، بتوانند صبوری کنند. همانطور که از بسیاری از آسیب های روانی دیگر نیز جلوگیری می کند.

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سَجِدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (فتح: ۲۹)

محمّد، فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر مهربانند، همواره آنان را در رکوع و سجود می بینی که پیوسته فضل و خشنودی خدا را می طلبند؛ نشانه آنان در چهره شان از اثر سجود پیداست، این است توصیف آنان در تورات، و اما توصیفشان در انجیل این است که وجودشان چون زراعتی است که جوانه های خود را رویانده پس تقویتش کرده تا ستر و ضخیم شده، و در نتیجه بر ساقه هایش [محکم و استوار] ایستاده است، به طوری که دهقانان را [از رشد و انبوهی خود] به تعجب می آورد تا خدا به وسیله [انبوهی و نیرومندی] مؤمنان، کافران را به خشم آورد [و] خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده استاین

یکی از اوصاف برجسته یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) مهربانی و رحمت درونی میان خودشان است. این صفت، در کنار شدت در برابر کفار، تصویری جامع از جامعه ایمانی ارائه می دهد که درون یک جامعه ایمانی، در کنار صلابت بیرونی، رحم و مروت به هم کیشان نیز موج می زند. پس به نوعی این آیه بیانگر این است که همگان در جامعه اسلامی موظف به رحم و دلسوزی برای یکدیگرند. که اگر چه این دستور به صورت کلی بیان شده است اما به هنگام جنگ از اهمیت بیشتری برخوردار است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ ۖ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ ۖ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ۚ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (مائده: ۵۴)

ای اهل ایمان! هر کس از شما از دینش برگردد [زیانی به خدا نمی‌رساند] خدا به زودی گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد، و آنان هم خدا را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان فروتن اند، و در برابر کافران سرسخت و قدرتمندند، همواره در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نمی‌ترسند این فضل خداست که به هر کس بخواهد می‌دهد؛ و خدا بسیار عطاکننده و داناست.

این آیه نیز به صفت فروتنی و مهربانی در برابر مؤمنان (اذلة علی المؤمنین) و شدت در برابر کافران (اعزة علی الکافرین) اشاره دارد. این دوگانگی در برخورد، همانطور که گذشت گرچه اختصاصی به زمان جنگ ندارد اما لازمه یک جامعه پویا و مبارز است.

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ (بلد: ۱۷)

علاوه بر [انجام] این [تکالیف]، از کسانی باشد که ایمان آورده‌اند و یکدیگر را به صبر و مهربانی سفارش کرده‌اند.

سفارش به رحمت و مهربانی، نشان‌دهنده لزوم توسعه این صفت درونی در جامعه ایمانی است که موجب همدلی و همبستگی بیشتر می‌شود. که این مهم در هنگام جهاد از همیشه باید پررنگ‌تر باشد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (آل عمران: ۲۰۰)

ای اهل ایمان! [در برابر حوادث] شکیبایی کنید، و دیگران را هم به شکیبایی وادارید، و با یکدیگر [چه در حال آسایش چه در بلا و گرفتاری] پیوند و ارتباط برقرار کنید و از خدا پروا نمایید تا رستگار شوید.

این آیه نیز به صراحت دستور می‌دهد که مؤمنان با یکدیگر پیوند برقرار کنند و در حقیقت از یکدیگر حمایت کنند و به همدیگر دلگرمی بدهند که

البته در هنگام جهاد این وظیفه به طور قطع مضاعف خواهد بود. این ارتباطات عمیق، جامعهٔ ایمانی را در برابر ناملازمات مقاوم می‌کند، و نمی‌گذارد که مؤمنین دچار خستگی و زدگی بشوند.

### ح) حفاظت از اسرار و اطلاعات

یکی از مهم‌ترین پایه‌های قدرت هر جامعه، حفظ اسرار و اطلاعات حیاتی است. دشمن همواره به دنبال کسب اطلاعات از نقاط ضعف، برنامه‌ها، و تصمیمات طرف مقابل است تا از آن برای ضربه زدن و پیشبرد اهداف خود استفاده کند. قرآن کریم به این نوع از نفوذ اطلاعاتی و جاسوسی اشاره دارد.

مِنَ الدِّينِ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُواكَ  
(مائده: ۴۱)

...گروهی از یهودیان که خوب به سخنان تو گوش می‌دهند تا دستاویزی برای تکذیب تو ببابند آنها جاسوسان گروه دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده‌اند.

این آیه نشان می‌دهد که دشمنان از طریق «سَمَاعُونَ» (جاسوسان)، به دنبال شنیدن سخنان و کسب اطلاعاتی هستند تا از آن برای «تکذیب» و ضربه زدن به جبهه حق استفاده کنند. این افراد، خودشان ممکن است در ظاهر بی‌طرف یا حتی علاقه‌مند به گفت‌وگو به نظر برسند، اما در واقع جاسوسان «قوم آخر» (گروهی دیگر) هستند که خودشان مستقیماً وارد عمل نمی‌شوند. این آیه هشدار جدی به مسلمانان است که در مراودات خود با افراد مشکوک، هوشیار باشند و از فاش کردن اطلاعات حساس خودداری کنند. افشای اطلاعات، خواه کوچک و بی‌اهمیت به نظر رسد، می‌تواند در پازل اطلاعاتی دشمن نقش مهمی ایفا کند.

### ط) توأسی به حق، صبر و مهربانی

توأسی به حق و صبر به معنای سفارش و توصیه متقابل اعضای جامعه به یکدیگر برای پایداری بر حق و شکیبایی در برابر مشکلات، یکی از بنیادین‌ترین راهکارهای قرآنی برای تقویت انسجام داخلی، افزایش روحیه مقاومت، و جلوگیری از فرسایش اراده جمعی در برابر جنگ نرم است.

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ (بلد: ۱۷)

علاوه بر [انجام] این [تکالیف]، از کسانی باشد که ایمان آورده‌اند و یکدیگر را به صبر و مهربانی سفارش کرده‌اند.

این آیه نشان می‌دهد که مؤمنان در شرایط سخت، باید یکدیگر را به صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و سختی‌ها توصیه کنند. این صبر شامل استقامت در برابر فشارها، استواری در مسیر حق، و تحمل ناملایمات است. همچنین، توصیه به مهربانی (مرحمه)، به معنای تقویت روحیه همدلی و دستگیری از یکدیگر در جامعه است که در شرایط بحرانی، مانع از فروپاشی اجتماعی و ایجاد یأس می‌شود. گرچه این آیه اختصاصی به وظیفه مؤمنین در هنگام جهاد ندارد اما پر واضح است که این وظیفه در هنگام جهاد که سختی‌ها گریبانگیر مؤمنان می‌شود از اهمیت ویژه‌تری برخوردار است.

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (عصر: ۳)

مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق توصیه نموده و به شکیبایی سفارش کرده‌اند.

این آیه نشان می‌دهد که ایمان و عمل صالح، بدون تواسی به حق و صبر، کافی نیست. «تواسی به حق» یعنی یادآوری دائمی اصول و ارزش‌های الهی، در جهت افزایش بصیرت جامعه و جلوگیری از انحراف آن از مسیر حق جزو یکی از وظایف مؤمنانه است. «تواسی به صبر» نیز به معنای تقویت روحیه استقامت و مقاومت در برابر مشکلات و فشارهاست که در آیه قبل نیز به آن اشاره شد. و همانطور که گفته شد این آیه نیز اختصاصی به باب جهاد ندارد اما اهمیت ویژه‌ای در دوران مبارزه مستقیم با دشمن پیدا می‌کند.

وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ (ذاریات: ۵۵)

و پند ده؛ زیرا پند به مؤمنان سود می‌دهد.

این آیه به طور کلی تذکر ارزش‌ها را لازم می‌شمرد و نیز اختصاصی به باب جهاد نداشته و فقط در شرایط جهاد از اهمیت بالاتری برخوردار است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ  
(آل عمران: ۲۰۰)

ای اهل ایمان! [در برابر حوادث] شکیبایی کنید، و دیگران را هم به شکیبایی وادارید، و با یکدیگر [چه در حال آسایش چه در بلا و گرفتاری] پیوند و ارتباط برقرار کنید و از خدا پروا نمایید تا رستگار شوید.

این آیه نیز با دستور به مصابره، به معنای وادار کردن دیگران به صبر و استقامت جمعی، در واقع وظیفه‌ای مهم را برای مؤمنان طرح‌ریزی می‌کند و این امر در زمانه جهاد، از اهمیت بالاتری برخوردار است.

### ی) دعا، تضرع و توسل

در کنار تلاش‌های مادی و راهکارهای عملی، دعا، تضرع، و توسل به اهل بیت (علیهم السلام)، یکی از مهمترین کنش‌های لازم در مواجهه با دشمنان است. این امر نه تنها به تقویت روحیه ایمانی و امید به نصرت الهی منجر می‌شود، بلکه گشایش‌های غیبی را نیز در پی دارد.

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَبَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُزْدَفِينَ (انفال: ۹)

[یاد کنید] هنگامی را که [در حال مشاهده دشمن تا دندان مسلح با دعا و زاری] از پروردگارتان یاری خواستید، و او درخواست شما را اجابت کرد که من مسلماً شما را با هزار فرشته که پی در پی نازل می‌شوند، یاری می‌دهم.

این آیه شریفه به واقعۀ بدر اشاره دارد که مسلمانان با وجود ضعف ظاهری، از خداوند یاری خواستند. این آیه نشان می‌دهد که در شرایط ضعف و ناامیدی، استغاثۀ و دعا به درگاه الهی می‌تواند موجب امدادهای غیبی و نصرت خداوند شود و در به طور کلی مبین این است که مؤمنان در نبرد خود با دشمنان نیاز به دعا و تضرع نیز دارند. و قرآن کریم این را به مثابۀ الگویی برای همه مؤمنان تاریخ قرار داده است.

توسل به اهل بیت (علیهم السلام) نیز به همین معنا برای مؤمنان لازم است اگر چه که آیه‌ای اختصاصی برای این زمینه وجود ندارد.

### ک) مقابله با جنگ نرم

جنگ نرم یکی از پیچیده‌ترین و مؤثرترین شیوه‌های دشمنی است که هدف آن تغییر باورها، ارزش‌ها، رفتارهای یک جامعه به عنوان مکمل جنگ



نظامی یا حتی بدون آن است. این جنگ، عرصه نبرد اذهان و قلب‌هاست و دشمن با استفاده از ابزارهای گوناگون، به دنبال فرسایش اراده، و نابودی انسجام درونی جامعه است. قرآن کریم، به عنوان کتاب هدایت جامع و کامل، نه تنها به معرفی این ابزارهای دشمن پرداخته، بلکه در برخی موارد صراحتاً به راهکار عملی مقابله با آنها پرداخته است. به طور کلی این ابزارها به چهار دسته سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی تقسیم می‌شود که به تناسب هدف از ارائه بسته، به ابزارهای فرهنگی دشمن نمی‌پردازیم و فقط ابزارهای دشمن در سه دسته اول را در قرآن کریم بیان می‌کنیم. به علاوه در برخی از ابزارها به بیان راهکارهای مقابله ارائه شده در قرآن کریم اشاره می‌کنیم.

## ۱. ابزارهای سیاسی

### الف) پیمان‌های فریبنده

یکی از کهن‌ترین و در عین حال مؤثرترین شگردهای دشمنان در عرصه سیاسی جنگ نرم استفاده از فریب به وسیله پیمان‌های کاذب و سپس نقض عهود و موثقی است. این ابزار به منظور تضعیف جبهه داخلی مؤمنان، و زمینه‌سازی برای اقدامات خصمانه بعدی به کار گرفته می‌شود. قرآن کریم بارها به این خصلت مذموم در رفتار دشمنان تاریخی اسلام اشاره کرده است:

أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ  
(بقره: ۱۰۰)

آیا چنین نیست که هرگاه یهود پیمانی [با خدا و رسولانش] بستند، گروهی از آنان: آن را شکستند؟ [آنان نه فقط عهد شکستند] بلکه بیشترشان ایمان نمی‌آورند.

این آیه به وضوح نشان می‌دهد که نقض عهد، نه یک اتفاق نادر، بلکه یک خصلت نهادینه شده در برخی از دشمنان، به ویژه یهود، بوده است. این رویه در طول تاریخ، همواره در سیاست‌ورزی دشمنان ملت‌های مسلمان دیده شده است.

أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ  
بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ  
مُؤْمِنِينَ (توبه: ۱۳)

چرا و برای چه نمی‌جنگید؟ آن‌ها با گروهی که پیمان‌های خود را شکستند، و عزمشان را بر بیرون کردن پیامبر از وطنش جزم کردند و هم آنان بودند که نخستین بار با شما جنگیدند: آیا از آنان می‌ترسید؟! در صورتی که اگر مؤمن هستید، خدا سزاوارتر است که از او بترسید.

در این آیه خداوند متعال، ضمن توبیخ کسانی که در جنگ با دشمنان تردید می‌کنند، یکی از ویژگی‌های محوری آنها را تحت عنوان عهد شکنی بیان می‌دارد که نشان‌دهنده اهمیت آن به عنوان یکی از ابزارهای دشمنی است.

#### • نمونه‌های تاریخی پیمان‌شکنی در دوران صدر اسلام:

##### • پیمان‌شکنی یهود بنی‌النضیر و توطئه ترور

پیامبر (صلی الله علیه و آله): پس از جنگ احد و تصور ضعف مسلمانان، یهودیان بنی‌النضیر که با پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیمان صلح و همزیستی داشتند، به فکر ترور ایشان افتادند. در جریان سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای

دریافت کمک در پرداخت خون‌بهای دو نفر از قبیله بنی‌عامر، بنی‌النضیر با فریب‌کاری، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به داخل دژ خود دعوت کرده و قصد داشتند با پرتاب سنگی بزرگ از بالای دژ، ایشان را به شهادت برسانند. اما به لطف الهی و آگاهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از طریق وحی این توطئه خنثی شد. (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۶۴). این ماجرا نمونه بارز عهد فریبنده و پیمان‌شکنی در بستر جنگ نرم با هدف حذف رهبری است.

- **پیمان‌شکنی یهود بنی‌قینقاع و اخراج آن‌ها از مدینه:** بنی‌قینقاع اولین گروه از یهودیان مدینه بودند که پس از پیروزی مسلمانان در غزوۀ بدر، پیمان خود را نقض کرده و به آزار و اذیت مسلمانان پرداختند (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۱۳۸؛ بلاذری ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۳۰۹). با افزایش سرکشی آن‌ها، پیامبر (صلی الله علیه و آله) مطابق دستور قرآن در آیه ۵۸ سوره انفال: **وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ** (و هرگاه [با ظهور نشانه‌هایی]: از خیانت گروهی بیم داشته باشی، به طور عادلانه به آن‌ها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است)، پیمان را ملغی اعلام کرد و قلعه آن‌ها را محاصره نمود. پس از ۱۵ روز

محاصره، یهودیان تسلیم شدند و از مدینه اخراج گردیدند.

### ب) تهدید

تهدید، یکی دیگر از ابزارهای سیاسی مهم دشمن در جنگ نرم است که با هدف ایجاد ترس و وحشت در میان مردم و مجبور کردن آن‌ها به تسلیم، عقب‌نشینی یا تغییر مسیر به کار گرفته می‌شود. دشمنان از طریق تهدیدهای مختلف، سعی در از بین بردن روحیه مقاومت و اراده جامعه دارند.

#### • تهدید به اخراج از وطن یا تغییر هویت:

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا (ابراهیم: ۱۳)

... و کسانی که کافر شدند، به پیامبرانشان گفتند: شما را از سرزمین خودمان بیرون خواهیم کرد مگر اینکه به کیش ما بازگردید.

این آیه، تهدید به اخراج از وطن و اجبار به بازگشت به آیین کفر را نشان می‌دهد. این نوع تهدید، با هدف از بین بردن هویت دینی و فرهنگی، و اجبار به تغییر باورها صورت می‌گیرد.

#### • تهدید به شکنجه و مرگ:

لَأَقْطِعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ (اعراف: ۱۲۴)

سوگند می خورم که دست ها و پاهای شما را بطور مخالف [دست راست با پای چپ، یا دست چپ با پای راست] قطع می کنم سپس همگی را به دار می آویزم.

این تهدید فرعون به شکنجه و حشتناک و مرگ (قطع اعضا و به دار آویختن)، به منظور ایجاد رعب در میان مؤمنان و جلوگیری از گسترش ایمان بود.

...لَنْ لَّمْ تَنْتَهُوْا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَ لَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (یس: ۱۸)

و اگر [از این سخنان] دست برندارید شما را سنگسار خواهیم کرد و شکنجه دردناکی از ما به شما خواهد رسید.

این آیه نیز به تهدید به سنگسار و عذاب دردناک توسط دشمنان اشاره دارد که با هدف ساکت کردن و سرکوب مخالفان صورت می گرفت.

### ج) تضعیف رهبری

هدف گذاری بر روی رهبران و تلاش برای تضعیف آنها از مهم ترین و شایع ترین تاکتیک های دشمن در جنگ نرم است. این امر به دلیل جایگاه محوری رهبر در ایجاد وحدت، هدایت، و حفظ روحیه مقاومت جامعه است. با تضعیف رهبر، دشمن به دنبال ایجاد هرج و مرج، یأس و ناامیدی، و در نهایت فروپاشی نظام است. ابزارهایی که در این راستا به کار گرفته می شوند، عبارتند از:

#### ۱. تهمت و افترا

دشمنان برای بی اعتبار کردن رهبران و مخدوش کردن چهره آن‌ها در افکار عمومی، به دروغ‌پردازی، افترا و تهمت‌های ناروا روی می‌آورند. در ادامه به بیان برخی از این تهمت‌ها که در قرآن کریم به آنها اشاره شده است، می‌پردازیم.

#### • قصد برتری جویی

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ (مؤمنون: ۲۴)

جمعیت اشرافی (و مغرور) از قوم نوح که کافر بودند گفتند: این مرد جز بشری همچون شما نیست که می‌خواهید بر شما برتری جوید! اگر خدا می‌خواست (پیامبری بفرستد) فرشتگانی نازل می‌کرد ما چنین چیزی را هرگز در نیاکان خود ننشیده‌ایم. این تهمت‌ها با هدف انکار نبوت و مشروعیت رهبری او صورت می‌گرفت.

در این آیه بیان شده است که اشراف کافر قوم نوح به او تهمت قصد برتری جویی می‌زدند.

#### • جنون و دیوانگی

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فُتَرَبِّصُوا بِهِ حَتَّى حِينٍ (مؤمنون: ۲۵)

او فقط مردی است که به نوعی جنون مبتلاست! پس مدتی درباره او صبر کنید. این تهمت، با هدف سلب اعتماد مردم از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دور کردن آن‌ها از او انجام می‌شد.

#### • سفاهت و دروغ‌گویی

إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنُظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (اعراف: ۶۶)

ما تو را در سفاقت (و نادانی و سبک مغزی) می بینیم و ما مسلماً تو را از دروغگویان می دانیم.

#### • شومی و بدشگونی

یکی دیگر از انواع تهمت‌ها، تهمت شومی و بدشگونی به رهبر و پیروانش بود، که با آن به دنبال ناامید کردن مردم از راهبری او و ایجاد جو منفی در جامعه مؤمنین بودند.

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَّعَكَ (نمل: ۴۷)

آنها گفتند: ما تو را و کسانی که با تو هستند به فال بد گرفتیم!

#### • فساد و مفسد فی الارض بودن

أَتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ (اعراف: ۱۲۷)

ایا موسی و قومش را رها می کنی که در زمین فساد کنند.

إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفُسَادَ (غافر: ۲۶)

زیرا من می ترسم که آیین شما را دگرگون سازد و یا در این سرزمین فساد بر پا کند.

در این آیه بیان می شود که فرعون، برای توجیه قصد خود برای کشتن موسی (علیه السلام) او را متهم به افساد می کند.

#### • گمراهی

إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (اعراف: ۶۰)

ما تو را در گمراهی آشکاری می بینیم.

در این آیه بیان می شود که اشراف قوم نوح (علیه السلام) به ایشان تهمت گمراهی می زدند.

## ۲. تحقیر و تمسخر

تحقیر و تمسخر رهبران، با هدف کاهش جایگاه آن ها در افکار عمومی و از بین بردن هیبت و نفوذ کلامشان صورت می گیرد. در ادامه به آیاتی که به روشنی از این روش دشمنان خبر می دهد اشاره می کنیم.

يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (یس: ۳۰)

افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد مگر اینکه او را استهزا می کردند.

وَ إِذَا رَأَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا هَذَا الَّذِي يَذْكُرُ ٱلرَّسُولُ لَكُمْ (انبیاء: ۳۶)

هنگامی که کافران تو را می بینند، کاری جز استهزا کردن تو ندارند [و می گویند] آیا این همان کسی است که سخن از خدایان شما می گوید؟

آیه فوق اشاره به تمسخر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) توسط کفار دارد.

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ (زخرف: ۵۲)



مگر نه این است که من از این مردی که از خانواده و طبقه پستی است و هرگز نمی‌تواند فصیح سخن بگوید برترم.

این آیه، تحقیر موسی (علیه السلام) توسط فرعون را نشان می‌دهد که او را فردی پست و بی‌سواد می‌خواند تا مشروعیت رهبری او را زیر سؤال ببرد.

قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَ  
لَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَ مَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ (هود: ۹۱)

گفتند: ای شعیب! بسیاری از آنچه را می‌گویی، ما نمی‌فهمیم! و ما تو را در میان خود، ضعیف می‌یابیم و اگر [بخاطر] قبیله کوچک نبود، تو را سنگسار می‌کردیم و تو در برابر ما قدرتی نداری!

### ۳. تهدید به حذف فیزیکی رهبر

تهدید به حذف رهبر نیز یکی دیگر از روش‌های تخریب و تضعیف رهبری جامعه مومنان است که در آیه زیر، قرآن کریم به نمونه تاریخی آن اشاره دارد.

قَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ  
دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ (غافر: ۲۶)

و فرعون گفت: بگذارید موسی را بکشم و او پروردگارش را بخواند [تا نجاتش دهد]! زیرا من می‌ترسم که آیین شما را دگرگون سازد و یا در این سرزمین فساد بر پا کند!

### ۲. ابزارهای اجتماعی

### الف) سرزنش

یکی از ابزارهای اجتماعی دشمن در جنگ نرم، سرزنش و تخطئه کردن مؤمنان است. این سرزنش‌ها با هدف تضعیف روحیه جهادی، ایجاد تردید در مسیر حق، و پشیمان کردن افراد از انجام وظایف دینی و انقلابی صورت می‌گیرد. دشمنان با تحلیل‌های سطحی و مغرضانه، سعی می‌کنند مجاهدت‌های مؤمنان را بی‌ارزش جلوه دهند.

#### • سرزنش به خاطر ایمان و توکل به خدا

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ  
وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (انفال: ۴۹)

و [یاد کنید] هنگامی را که منافقان و آنان که در دل‌هایشان بیماری [شک و تردید نسبت به حقایق] است، می‌گفتند: مؤمنان را دینشان [با این جمعیت اندک و اسلحه ناچیز برای شرکت در میدان نبرد] فریفت، و [آنان باور نمی‌کردند که] هر کس بر خدا توکل کند [بی‌تردید پیروز می‌شود]؛ زیرا خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.

این آیه نشان می‌دهد که منافقان و افراد سست‌ایمان، مؤمنان را به خاطر اعتمادشان به دین و توکلشان به خدا مورد سرزنش قرار می‌دهند. آن‌ها به ظاهر، تحلیل‌های منطقی ارائه می‌دهند که چگونه تعداد کم و تجهیزات اندک، نباید به جنگ منجر شود؛ اما در واقع، هدفشان تضعیف روحیه جهادی و ایجاد ترس و تردید در دل مؤمنان است. آن‌ها پیروزی را تنها در ابزارهای مادی می‌بینند و از قدرت توکل غافلند.

#### • سرزنش شهدا و مجاهدان

الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَءُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (آل عمران: ۱۶۸)

همان کسانی که از جنگ کناره گرفتند، و در خانه‌های خود نشستند، و دربارهٔ برادرانشان گفتند: اگر از ما فرمان می‌بردند کشته نمی‌شدند بگو: [چنانچه اختیار مرگ در دست شماست] پس مرگ را از خود دفع کنید: اگر راستگویید.

این آیه، روایت‌گر سرزنش و ملامت منافقان نسبت به شهدا است. آن‌ها با گفتن «اگر از ما اطاعت می‌کردند، کشته نمی‌شدند»، سعی در القای این مفهوم داشتند که شهادت، نتیجهٔ عدم اطاعت از آن‌ها و یک عمل بی‌حاصل بوده است. هدف این سرزنش‌ها ایجاد حسرت، پشیمانی و بی‌تفاوتی نسبت به جهاد در بازماندگان و دیگر مؤمنان است. قرآن در پاسخ به این توهم، به آن‌ها یادآوری می‌کند که اگر راست می‌گویید، مرگ را از خود دور کنند، چراکه مرگ و زندگی در دست خداست.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُخَيِّبُ وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (آل عمران: ۱۵۶)

ای اهل ایمان! مانند کسانی نباشید که کفر ورزیدند و دربارهٔ برادرانشان هنگامی که آنان به سفر رفتند [و در سفر مُردند] و یا جهادگر بودند [و شهید شدند]، گفتند: اگر نزد ما مانده بودند نمی‌مردند و شهید نمی‌شدند [شما به کافران اعتنا نکنید] تا خدا این [اعتقاد و گفتار] را حسرتی در دل‌هایشان

قرار دهد و خداست که زنده می‌کند و می‌میراند؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.

این آیه به مؤمنان هشدار می‌دهد که مبادا شبیه کفار و منافقین شوند که پس از مرگ یا شهادت برادرانشان، با بیان «اگر نزد ما می‌ماندند، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند»، پشیمانی را در دل دیگران ایجاد می‌کنند. این گونه سرزنش‌ها، تلاش برای تقدیرگرایی منفی و سلب مسئولیت جهادی است. قرآن با تأکید بر اینکه زندگی و مرگ در دست خداست، اینگونه تلقینات را رد می‌کند.

### ب) شایعه‌پراکنی

شایعه‌پراکنی و نشر اکاذیب، یکی دیگر از ابزارهای بسیار مؤثر دشمن در جنگ نرم اجتماعی است. شایعه، اطلاعاتی مبهم و غیرقابل تأیید است که با سرعت زیادی در جامعه پخش می‌شود و هدف آن فریب افکار عمومی، ایجاد ترس و وحشت، تضعیف توان روحی، ایجاد سستی در عزم و ارادهٔ مردم و ایجاد اختلاف و تفرقه است.

### • شایعه افکنی دشمن

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ (آل عمران: ۱۷۳)

اینها کسانی بودند که مردم [منافق]، به آنان [مؤمنین] گفتند: مردم [لشکر دشمن] برای [حمله به] شما اجتماع کرده‌اند از آنها بترسید.

این آیه به یک شایعهٔ مهم در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) اشاره دارد که هدف آن ترساندن مؤمنان و جلوگیری از حرکت جهادی آن‌ها بود. منافقان به مسلمانان می‌گفتند که دشمنان (مشرکان) جمعیتی

عظیم برای حمله به شما فراهم آورده‌اند، پس از آن‌ها بترسید. این نمونه بارز القای خوف از طریق شایعه است.

يَا أَهْلَ يَثْرَبَ لَا مَقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا (احزاب: ۱۳)

ای اهل یثرب (ای مردم مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست به خانه‌های خود بازگردید.

این آیه، مربوط به شایعه‌افکنی منافقان در جنگ خندق (احزاب) است. آنها در شرایط سخت محاصره مدینه، روحیه مردم را تضعیف می‌کردند و با این جمله آن‌ها را به ترک میدان نبرد و بازگشت به خانه دعوت می‌کردند. این اقدام با هدف متفرق کردن سپاه اسلام و شکست مقاومت صورت می‌گرفت.

#### • ضریب دهنده‌گی جاهلان

وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ (نساء: ۸۲)

و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، [بدون تحقیق] آن را شایع می‌سازند.

این آیه به عادت بد برخی از مسلمانان سست‌ایمان اشاره دارد که هرگاه خبری از امنیت (پیروزی) یا خوف (شکست) به آن‌ها می‌رسید، بدون تحقیق و بررسی آن را فوراً شایع می‌کردند. قرآن این رفتار را نکوهش می‌کند، چراکه اینگونه اخبار بدون اطمینان، خواه ناخواه به دروغ‌گویی منجر می‌شود و اخبار وحشت‌آور نیز مردم مؤمن را دچار ترس و نگرانی می‌سازد.

نمونه‌های تاریخی

- **غزوة احد:** یکی از خطرناک‌ترین شایعات در تاریخ اسلام، شایعه شهادت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جنگ احد بود که در آیه ۱۴۴ سوره آل عمران، به این موضوع اشاره شده است. شایعه شهادت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در احد، باعث تزلزل و فرار برخی از مسلمانان شد.

- **غزوة حمراءالاسد:** پس از شکست مسلمانان در احد، لشکر دشمن در غرور خود غوطه‌ور شد و تصمیم حمله مجدد به مدینه را داشت (ابن کثیر، بیتا، ج ۴، ص ۴۸). پیامبر (صلی الله علیه و آله) بلافاصله دستور تعقیب دشمن را صادر کرد (واقعی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۳۳۴). منافقین برای بازداشتن مسلمانان، شایعه کردند که ناس یعنی مشرکین جمعیت بسیاری برای جنگ با شما جمع کرده‌اند، اما مسلمانان نه تنها وحشت نکردند، بلکه ایمانشان افزوده شد. این غزوه بدون درگیری و با بازگشت دشمنان به خاطر ترسشان، به یک شکست روانی و تبلیغی برای قریش و منافقان تبدیل شد.

- **غزوة بدر صغری:** یک سال پس از احد، ابوسفیان وعده جنگ در بدر را داد. منافقان اخبار وحشت‌آور از تجمع مشرکین منتشر می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۹). اما مسلمانان در موعد مقرر حاضر شدند و چون مشرکین حاضر نشدند، پیروزی روانی بزرگی نصیب مسلمانان شد. آیه ۸۳ سوره نساء که درباره انتشار اخبار بدون تحقیق است، با این داستان تطبیق داده شده است.

- غزوه خندق (احزاب): در این جنگ که با توطئه بنی‌النضیر آغاز شد، منافقان و بیماردلان به شایعه‌پراکنی و نشر اکاذیب پرداختند. طبق آیات ۱۲ و ۱۳ سوره احزاب: آن‌ها صراحتاً می‌گفتند: خدا و فرستاده‌اش جز فریب به ما وعده‌ای ندادند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۲۶).

### راهکارهای مقابله

#### ۱) تحقیق و بررسی دقیق اخبار

قرآن کریم برای مقابله با شایعه‌پراکنی، بر تحقیق و بررسی دقیق اخبار و رجوع به منابع موثق و مسئولان امر که تخصص لازم را دارا هستند، قبل از نشر دادن و یا حتی بعد از انتشار توسط دیگران، تأکید فراوان دارد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيْهِ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (حجرات: ۶)

ای اهل ایمان! اگر فاسقی خبری برایتان آورد، خبرش را بررسی و تحقیق کنید تا مبدا از روی ناآگاهی گروهی را آسیب و گزند رسانید و بر کرده خود پشیمان شوید.

این آیه نیز به صراحت اشاره به این دارد که اخباری که به دستتان می‌رسد را مورد بررسی جدی قرار دهید تا دشمن در اهدافش شکست بخورد. در حقیقت همگان مسؤولند که اخبار را مورد تحقیق و بررسی قرار دهند و به هیچ وجه به سادگی خبری را باور نکنند.

#### ۲) پیروی از علم و پرهیز از گمان

و لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (اسراء: ۳۶)

از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسئولند.

این آیه، بنیادین ترین اصل در برابر شایعه است: پرهیز از پیروی از ظن و گمان و لزوم تبعیت از علم و یقین. در حقیقت انسان در برابر اطلاعاتی که دریافت و منتشر می کند، مسئول است.

• يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِنَّهُم (حجرات: ۱۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمان ها پرهیزید، چرا که بعضی از گمان ها گناه است.

این آیه به طور خاص بر «اجتناب از سوء ظن و گمان های بی اساس» تأکید دارد که خود زمینه ساز شایعات و قضاوت های نادرست است.

۳ رجوع به متخصصان و مسئولان قبل از نشر دادن اخبار

وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا (نساء: ۸۳)

و هنگامی که خبری از ایمنی و ترس [چون پیروزی و شکست] به آنان [که مردمی سست ایمان اند] رسد، [بدون بررسی در درستی و نادرستی اش] آن را منتشر می کنند، و [در صورتی که] اگر آن خبر را به



پیامبر و اولیای امورشان [که به سبب بینش و بصیرت دارای قدرت تشخیص و اهل تحقیق اند] ارجاع می‌دادند، درستی و نادرستی‌اش را در می‌یافتند؛ [چنانچه به مصلحت جامعه بود، انتشارش را اجازه می‌دادند و اگر نبود، از انتشارش منع می‌کردند] و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، یقیناً همه شما جز اندکی از شیطان پیروی می‌کردید.

در حقیقت این آیه، لزوم رجوع به مراجع خبررسانی و تحلیلی مورد تأیید (رهبران الهی و متخصصان مورد وثوق) را گوشزد می‌کند تا اطلاعات صحیح به دست مردم برسد و جلوی شایعات گرفته شود.

### ج) القای خوف و وحشت

القای خوف و وحشت، یکی دیگر از ابزارهای اجتماعی دشمن در جنگ نرم است که با هدف از بین بردن روحیه مقاومت، فلج کردن اراده، و ایجاد یأس و تسلیم در برابر قدرت دشمن انجام می‌شود.

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ  
فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (آل عمران: ۱۷۳)

اینها کسانی بودند که [بعضی از] مردم، به آنان گفتند مردم [= لشکر دشمن] برای [حمله به] شما اجتماع کرده‌اند؛ از آنها بترسید! اما این سخن، بر ایمانشان افزود؛ و گفتند خدا ما را کافی است؛ و او بهترین حامی ماست.

این آیه نشان می‌دهد که منافقان، با بزرگ‌نمایی قدرت و تعداد نیروهای دشمن «جمعوا لکم»، سعی در ایجاد ترس در دل مؤمنان دارند. و در حقیقت این یکی دیگر از ابزارهای دشمن در جنگ نرم است. اما عکس‌العمل مؤمنان واقعی این است که نه تنها نمی‌ترسند، بلکه ایمانشان افزایش می‌یابد و به خدا توکل می‌کنند.

## راهکارها:

### • اعلام محکم کفایت خداوند

در آیه‌ای که در بالا گذشت می‌بینیم که خداوند متعال، رفتار مؤمنان حقیقی در مقابل منافقان را به تصویر می‌کشد و آن را به عنوان الگویی ماندگار مطرح می‌فرماید. پس یکی از راه‌های مقابله با این توطئه شوم، با توجه به این الگوی الهی، فریاد زدن کفایت خدا و حمایت اوست.

### • ترس از خداوند به جای ترس از دشمن

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۷۵)

در حقیقت این شیطان است که دوستانش را [با شایعه‌پراکنی و گفتار وحشت‌زا، از رفتن به جهاد] می‌ترساند؛ پس اگر مؤمن هستید از آنان نترسید و از من بترسید.

این آیه، راهکار اصلی را ترس از او، نه از دشمنان می‌داند. این نوع ترس، انسان را به اطاعت از خدا و مقاومت در برابر دشمن سوق می‌دهد.

### • ایمان به نصرت الهی:

كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (بقره: ۲۴۹)

چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند! و خداوند، با صابران و استقامت‌کنندگان است.

این آیه به بیان رفتار مؤمنین حقیقی از قوم طالوت (علیه السلام)، در مقابل کسانی که از عده و عده دشمن هراسیده بودند و دیگران را نیز با حرف‌هایشان به عقب نشینی دعوت می‌کردند، می‌پردازد؛ که ایشان در مقابل آن هراس افکنی، به سنت الهی که بارها افراد کم را بر افراد زیاد برتری داده است، اشاره می‌کنند. که در حقیقت این آیه در صدد ترسیم الگویی برای مقابله با این حربه دشمنان داخلی است. که البته اختصاصی به مقابله با جنگ نرم دشمن داخلی ندارد و در جنگ نرم با دشمن خارجی هم، همین معنا کارکرد لازم را دارد.

#### • تحقیر دشمن

قَالُوا لَنْ نُؤْثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (طه: ۷۲)

گفتند: سوگند به آن کسی که ما را آفریده، هرگز تو را بر دلایل روشنی که برای ما آمده، مقدم نخواهیم داشت! هر حکمی می‌خواهی بکن تو تنها در این زندگی دنیا می‌توانی حکم کنی!

این آیه، به نقل گفت و گوی ساחרان با فرعون به عنوان الگویی ماندگار می‌پردازد که ایشان در مقابل تهدید به قتل از سوی فرعون، او را با کلماتی جسورانه تحقیر کردند و این راهکاری بس راهگشا در مقابل القای خوف و وحشت از طرف دشمن است. یعنی برای مقابله با تهدیدهای دشمن، باید محکم و بدون لکنت به تحقیر دشمن پرداخت.

### د) ایجاد اضطراب و تردید و تفرقه

یکی دیگر از شیوه‌های اجتماعی جنگ نرم دشمن، ایجاد اضطراب و تردید و تفرقه بین مؤمنین است.

لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (توبه: ۴۷)

اگر آنها همراه شما (بسوی میدان جهاد) خارج می‌شدند، جز اضطراب و تردید، چیزی بر شما نمی‌افزودند و بسرعت در بین شما به فتنه‌انگیزی (و ایجاد تفرقه و نفاق) می‌پرداختند و در میان شما، افرادی (سست و ضعیف) هستند که به سخنان آنها کاملاً گوش فرامی‌دهند و خداوند، ظالمان را می‌شناسد.

بیشتر در ذیل وظیفه حفظ اتحاد، به این اشاره داشتیم که گاهی اوقات تفرقه، توسط دشمن ایجاد می‌شود. این آیه به صراحت به این معنا دلالت می‌کند و علاوه بر آن خداوند متعال یکی دیگر از ابزارهای منافقان را ایجاد اضطراب و تردید می‌داند.

### ه) تحقیر و تمسخر مؤمنین

همانطور که در ابزارهای دشمن برای تضعیف رهبری به این مورد اشاره کردیم یکی از ابزارهای مهم دشمن در جنگ نرم تحقیر و تمسخر مؤمنین است.

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا تَرَاكَ أَتَّبِعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادْنَا بِأَدْيِ الْأُرَائِ وَمَا تَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ (هود: ۲۷)

اشراف و سران کافر قومش گفتند: ما تو را جز بشری مانند خود نمی‌بینیم، و کسی را جز فرومایگان که نسنجیده و بدون اندیشه که از تو پیروی کرده باشند مشاهده نمی‌کنیم، و برای شما هیچ برتری و فضیلتی بر خود نمی‌بینیم، بلکه شما را دروغگو می‌پنداریم.

این آیه، تحقیر مؤمنین توسط اشراف کافر را نشان می‌دهد. آن‌ها به نوح (علیه السلام) می‌گفتند که پیروان تو «أَرَأَيْتُنَا بَادِيَ الرَّأْيِ» (فرومایگان ساده لوح و بی فکر) هستند. این تحقیر، با هدف بی‌اعتبار کردن ایمان و مؤمنان و در نتیجه، تخریب روحیه جامعه ایمانی است.

إِنَّ الَّذِينَ أُجْرِمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ (مطففین: ۲۹)

و بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می‌خندیدند.

وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامِرُونَ (مطففین: ۳۰)

و هنگامی که از کنارشان می‌گذشتند آنان را با اشاره تمسخر می‌کردند.

فَاتَّخَذَتْهُمْ سَخِرِيًّا حَتَّىٰ أَنسَوْكُم ذِكْرِي وَ كُنْتُمْ مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ (مؤمنون: ۱۱۰)

اما شما آنها را به باد مسخره گرفتید تا شما را از یاد من غافل کردند و شما به آنان می‌خندیدید.

این آیات به صراحت بیان می‌کند که دشمنان، مؤمنان را مورد تمسخر قرار می‌دهند تا ایمان آن‌ها را بی‌ارزش جلوه دهند و روحیه

آنها را تخریب کنند و این یکی از مهمترین ابزارهای آنان در طول تاریخ بوده است.

### ۳. ابزار اقتصادی

تحریم اقتصادی یکی از قدرتمندترین و در عین حال ظالمانه‌ترین ابزارهای جنگ نرم است که دشمن برای وادار کردن جامعه به تسلیم در برابر خواسته‌های خود به کار می‌گیرد. هدف از این تحریم‌ها، ایجاد نارضایتی عمومی و در نهایت، جدا کردن مردم از رهبری و آرمان‌هایشان است. قرآن کریم به این توطئه از سوی منافقان اشاره کرده است.

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا  
(منافقون: آیه)

آنها کسانی هستند که می‌گویند به افرادی که نزد رسول خدا هستند انفاق نکنید [آن‌ها را تحریم اقتصادی کنید] تا [از اطراف پیامبر خدا] پراکنده شوند [از اسلام برگردند].

این آیه به وضوح نیت پلید منافقان را آشکار می‌کند. آن‌ها با تحریم و قطع کمک‌های مالی به یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله)، قصد داشتند با ایجاد فشار اقتصادی و تنگناهای معیشتی، آن‌ها را از اطراف پیامبر متفرق کرده و به عبارتی، از اسلام بازگردانند. این دقیقاً همان هدفی است که امروزه قدرت‌های استکباری از تحریم‌های اقتصادی علیه کشورهای مقاوم دنبال می‌کنند: فشار بر معیشت مردم برای ایجاد نارضایتی و جدایی از حاکمیت. آن‌ها می‌دانند که اگر اقتصاد جامعه‌ای دچار مشکل شود، احتمال ایجاد آشوب و شورش علیه نظام افزایش می‌یابد.

## ل) قتال و جنگ نظامی

مفهوم جهاد در اسلام ابعاد گوناگونی دارد، اما رویارویی نظامی و دفاع مسلحانه در برابر دشمنی که جز زبان زور نمی فهمد، یکی از ارکان اساسی و مصادیق روشن آن است. آیات زیر به صراحت این بُعد از جهاد را تبیین می کنند.

فَإِنْ لَّمْ يَعْزِلْ لُوكُمُ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَٰمَ وَيَكُفُّوا أَيْدِيَهُمْ فَاخْذُوهُمْ وَ أَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَٰئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطٰنًا مُّبِينًا  
(نساء: ۹۱)

پس اگر [از جنگ با شما] کناره نگرفتند، و پیشنهاد صلح و آشتی نکردند، و بر ضد شما دست [از فتنه و آشوب] برنداشتند، آنان را هر جا یافتید بگیرید و بکشید؛ آنانند که ما برای شما نسبت به [گرفتن و کشتن] آنان دلیلی روشن و آشکار قرار دادیم.

این آیه به شکل کاملاً صریح، تکلیف مؤمنان را در برابر دشمنی که حاضر به صلح و ترک مخاصمه نیست، مشخص می کند. واژگان «فَاخْذُوهُمْ» (آنان را بگیرید) و «وَأَقْتُلُوهُمْ» (و آنان را بکشید)، مستقیم ترین دستورات برای اقدام نظامی و مقاتله مسلحانه هستند. این آیه نشان می دهد که وقتی راه های مسالمت آمیز به بن بست می رسد و دشمن بر تجاوز و فتنه انگیزی اصرار دارد، جهاد نظامی نه تنها مجاز، بلکه یک ضرورت است.

وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (توبه: ۳۶)

و با همه مشرکان همان گونه که آنان با همه شما می جنگند، بجنگید و بدانید خدا با پرهیزکاران است.

فعل امر «فَاتِلُوا» (بجنگید) به وضوح بر جنبه نظامی دلالت دارد. نکته کلیدی در این آیه، واژه «كَافَّةً» (همگی، به طور فراگیر) است. خداوند فرمان می‌دهد همان‌طور که دشمنان به صورت متحد و همه‌جانبه با شما می‌جنگند، شما نیز باید به صورت یکپارچه و با تمام قوا با آن‌ها مقاتله کنید. این آیه، جنگ نظامی را نه یک انتخاب فردی، بلکه یک مسئولیت جمعی و یک بسیج عمومی در برابر تهدید فراگیر دشمن می‌داند. در نتیجه، این آیه تأکید می‌کند که جنگ نظامی، یک بُعد اساسی و یک مصداق غیرقابل انکار از جهاد همه‌جانبه امت اسلامی است.

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (حج: ۳۹)

به کسانی که [ستمکارانه] مورد جنگ و هجوم قرار می‌گیرند، به سبب آنکه به آنان ستم شده اذن جنگ داده شده، مسلماً خدا بر یاری دادن آنان تواناست.

این آیه که به عنوان اولین آیه اذن جهاد شناخته می‌شود، مشروعیت جنگ را به صورت مستقیم بیان می‌کند. عبارت «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ» (به کسانی که مورد مقاتله قرار گرفته‌اند، اذن داده شد) به روشنی نشان می‌دهد که پاسخ نظامی به تهاجم نظامی دشمن، امری مشروع و مورد تأیید خداوند است. دلیل این اذن، «بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا» (چون به آن‌ها ستم شده) ذکر شده است. این آیه، جهاد نظامی را به عنوان ابزاری برای رفع ستم و دفاع از مظلوم معرفی می‌کند و آن را یک مصداق بنیادین از جهاد قرار می‌دهد که با وعده نصرت الهی نیز همراه است. این آیه ثابت می‌کند که مبارزه مسلحانه، جزء لاینفک جهاد برای برپایی عدالت و مقابله با ظلم است.



## فهرست منابع

۱. قرآن کریم. ترجمه انصاریان، حسین؛ آیت الله مکارم شیرازی، ناصر و فولادوند، محمد مهدی، قم: دارالقرآن الکریم
۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (بی تا). البدایة و النهایة. بیروت: دار الفکر.
۳. ابن هشام، عبدالملک. (بی تا). السیرة النبویة (سیره ابن هشام). بیروت: دار المعرفة.
۴. بحرانی، سید هاشم. (بی تا). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: موسسه بعثت.
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل. صحیح البخاری. بیروت: دار طوق النجاة.
۶. طباطبائی، سید محمدحسین. ۱۳۷۴. (المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۸. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴. (تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۹. واقدی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ ق). المغازی. تحقیق: مارسدن جونز. بیروت: موسسة الاعلمی للمطبوعات.



از منظر قرآن کریم، نصرت الهی تنها راه پیروزی و غلبه بر دشمنان است. این نصرت نیز مشروط به نصرت خدا توسط مؤمنان است. نصرت خدا به معنای اطاعت محض از فرمان‌های الهی است، که در رأس آنها جهاد قرار دارد. جهادی که نه تنها به معنای نبرد نظامی، بلکه یک تکلیف همه جانبه و تمام‌عیار است که شامل مبارزه با نفس، جهاد فکری و فرهنگی، جهاد اقتصادی، و جهاد نظامی می‌شود.

اگر مسلمانان به این جهاد فراگیر، با نیت خالص و با تمام توان خود اقدام کنند و در این مسیر استقامت ورزند، وعده الهی مبنی بر نصرت قطعی محقق خواهد شد و هیچ قدرتی توانایی غلبه بر آنان را نخواهد داشت. در واقع، جهاد، تجلی عملی اطاعت از خداست و اطاعت از خدا، کلید نصرت و پیروزی نهایی است. بدون این جهاد، راهی برای غلبه بر دشمن و حفظ عزت جامعه اسلامی متصور نیست.

